

The Extracted Pattern of Tourism Based on Shia Jurisprudential Sources

Behnam Amini*

Received: 2017/09/30

Accepted: 2018/02/01

Tourism, as the most widespread service industry in the world, is of particular importance, Therefore, many countries in a close and close competition seek to increase their profits and revenues from this international activity. Our country, with the date of several thousand years of tourism attractions among the first 10 countries, is the most attractive tourist attraction in the world and is ranked fifth in terms of biodiversity and diversity of natural attractions .

Of course, the importance and economic role of tourism should not lead to neglect of other dimensions, especially after cultural dimension, the tendency of the world to seek the easiest and most effective way for cultural dialogue to highlight the role of tourism in many cultures through history and civilizations, while maintaining emotional and human ties to each other with a broader view of other cultures and the political relations of civilizations are more balanced on the basis of the UN economy and understanding.

From religious aspect, it should be said that in islam the importance of contemplation is emphasized. The holy quran has shown the importance of tourism and tourism in detail and has asked them to look at the ground and think about the monuments of the past and take advice from their ancestors. There are many hadiths about the prophet and the innocent imams about the journey and travel, which shows the desirability of tourism from the viewpoint of jurisprudence and it can also be used in jurisprudence.

Keywords: tourism, shiite jurisprudence, exemplary pattern.

* M.A. in Faculty of Islamic Studies and Culture and Communication, Imam Sadiq(a.s) University. behnam.amini127@gmail.com

الگوی مستخرج گردشگری مبتنی بر منابع فقهی شیعه

بهنام امینی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۲

چکیده

امروزه گردشگری به عنوان گسترده‌ترین صنعت خدماتی جهان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، از این رو بسیاری از کشورها در رقابتی نزدیک و فشرده، در پی افزایش بیش از پیش منافع و عواید خود از این فعالیت بین‌المللی هستند. کشور ما نیز با قدمت تاریخی چندین هزار ساله از لحاظ تعداد جاذبه‌های گردشگری در میان ۱۰ کشور اول پر جاذبه گردشگری در جهان است و از لحاظ تنوع زیستی و تنوع جاذبه‌های طبیعی رتبه پنجم را در جهان دارا است.

البته اهمیت و نقش اقتصادی گردشگری نباید باعث غفلت از سایر ابعاد آن، به ویژه بعد فرهنگی شود، گرایش مردم جهان به یافتن آسان‌ترین و مؤثرترین راه برای گفتگوی فرهنگی سبب شده است تا نقش گردشگری از آن نظر اهمیت یابد که انسان‌ها از تجارب تلخ و شیرین حکومت‌داری در طول تاریخ و تمدن‌های مختلف بهره‌مند می‌شوند و ضمن برقراری پیوندهای عاطفی و انسانی با یکدیگر، با زاویه دید وسیع‌تری به دیگر فرهنگ‌ها می‌نگرند و روابط سیاسی تمدن‌ها را بر پایه اقتصاد و تفاهم ملل متعادل‌تر می‌کنند.

از جنبه دینی نیز باید گفت که در اسلام بر اهمیت سیر و سیاحت تأکید ویژه‌ای شده است. قرآن کریم اهمیت سیر و سیاحت و گردشگری را به وضوح و تفصیل به مردم نشان داده و از آنها خواسته تا در زمین بگردند و در آثار به جای مانده از گذشتگان بیندیشند و از سرگذشتشان پند بگیرند. در پی همین تأکیدها و سفارش‌های قرآن مجید از پیغمبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز احادیث بسیاری راجع به سیر و سفر روایت شده که نشان‌دهنده مطلوبیت گردشگری از نظر فقهی است و می‌توان از لحاظ فقهی نیز گردشگری را چارچوب‌مند کرد.

واژگان کلیدی: جهانگردی، گردشگری، فقه شیعه، ایران، جاذبه‌های گردشگری.

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

مقدمه

از میان شاخص‌های حیاتی و نمادین تمدن‌های دنیای قدیم و جدید، گردشگری تنها نمادی است که گستره جغرافیایی آن را مرزهای سیاسی کشورها، تقسیمات اداری و قلمرو اقتدار قومی تعیین نمی‌کند (خسروی، ۱۳۸۴، ص. ۵). به لحاظ موقعیت فرهنگی - مذهبی خاص ایران در میان کشورهای دیگر، گردشگری مذهبی جاری رشد و توسعه قابل توجهی در ایران فرهنگی دارد؛ به گونه‌ای که تنوع مراکز، آثار و ابنیه تاریخی و عبادتگاه‌های ادیان مختلف موجود در مناطق مختلف کشور، موقعیت ایران را در تمام دنیا کم‌نظیر کرده است (سینایی، ۱۳۸۲، ص. ۱۹).

گردشگری و جهانگردی یکی از فعالیت‌ها و پدیده‌های دیرپا و قدیمی در تاریخ بشر است که البته در طول تاریخ دچار تحولات شکلی بسیار و جدی شده است. لذا پدیده‌ای ریشه‌دار در بین ملل مختلف است و امروزه به یکی از صنایع مهم در جهان تبدیل شده است. از طرفی دیگر، جهانگردی و توریسم یک عامل مهم برای پیشرفت و تکامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشورها محسوب می‌شود. انگیزه مسافرت هر چه باشد، در مجموع موجب برخورد فرهنگ‌ها شده و عقاید و نظرات جدیدی بوجود می‌آورد و در اثر این برخوردها تغییرات در آداب و رسوم، کردار و رفتار اجتماعی حاصل می‌شود. به عبارت دیگر، توریسم به عنوان یک امر اجتماعی با امور و مسائل مختلف جامعه ارتباط دارد. صنعت گردشگری فرصتی برای ساکنان ایجاد می‌کند تا فرهنگ خود را مستقیم و بدون واسطه و به شکلی واقعی به علاقه‌مندان عرضه نماید. بنابراین گردشگری و جهانگردی نخست یک ارتباط میان فرهنگی است در جهت ایجاد آشنایی میان ملت‌های جهان با ویژگی‌های مثبت که البته جنبه‌های گوناگون این پدیده از جمله جنبه اقتصادی نیز در آن لحاظ می‌شود. همچنین این پدیده به ویژه باعث تقویت غرور و همبستگی جامعه میزبان و افزایش حد تحمل آنان در برابر فرهنگ‌های دیگر می‌شود.

در این میان، با بررسی منابع اسلامی، فرمان به سیر در زمین به طور مکرر بیان شده است. آنچه در کتاب و سنت در پیوند با این موضوع دیده می‌شود، تنها ناظر به اصل سفر در زمین و آثار و فایده‌های معنوی و گاهی فواید مادی آن است. بنابراین شاید جهانگردی و گردشگری به شکل صنعت در آمده امروزی آن، در منابع اسلامی وجود

نداشته باشد، ولی این مفهوم در آن وجود دارد. از این روی باید صنعت جهانگردی از منظر فقه را از مباحث نو و مسائل مستحدثه فقه دانست و احکام و فروع آن را به کمک منابع و مصادر فقهی مورد بررسی قرار داد.

نکته مهم دیگر در این باره این است که گردشگری و جهانگردی امروزی با سیر در زمینی که در منابع اسلامی آمده است چگونه با هم جمع می‌شود و چگونه می‌توان الگویی اسلامی برآمده از فقه اسلامی در مورد گردشگری و جهانگردی برای دنیای امروز را تبیین نمود؟ فقه اسلامی در برخورد با پدیده گردشگری و توریسم، تنها به مسائل جدید پیش آمده در این پدیده، پاسخ‌هایی داده است و به صورت فعالانه برای تبیین و ارائه الگوی گردشگری وارد نشده است.

ایران با تکیه بر گردشگری منطبق با اصول و مبانی فرهنگ انقلاب اسلامی، سازماندهی و گسترش آن را در برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی مورد توجه قرار داده است. از این رو از میان برداشتن موانع و مشکلات موجود در صنعت جهانگردی ایران، در واقع راه را برای دستیابی به اهداف و مقاصد هموار می‌کند.

۱. ضرورت، ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

۱-۱. ضرورت بحث

گردشگری تأثیر فراوانی بر ابعاد فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور دارد. گردشگری اشتغال ایجاد می‌کند، سرمایه‌های اقتصادی را به جریان می‌اندازد و به دنبال ارتقای مشروعیت سیاسی کشورها در سطح بین‌المللی است. از منظر اقتصادی، گردشگری یکی از صنایع پر درآمد و کم‌هزینه در اقتصاد است. درآمدهای حاصل از گردشگری تجلی نوعی «صادرات نامرئی و پنهان» است. از منظر سیاسی، یکی از دلایل استقبال گردشگرها از یک کشور، ثبات سیاسی و خوش‌رفتاری کشورها در مناسبات بین‌المللی است. ورود گردشگر به یک کشور نشان از آرامش آن و همچنین نشانه قدرت و امنیت یک منطقه است. اما از منظر فرهنگی و اجتماعی، گردشگری در بستر محیط جغرافیایی صورت می‌گیرد که متشکل از محیط طبیعی، فرهنگی و اجتماعی است. ماهیت گردشگری در هر جامعه‌ای، متأثر از عوامل پیچیده و درهم بافته فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و همچنین ویژگی‌های جغرافیایی است که دیگران را

مجدوب خود می‌کند.

این پدیده و مقوله، می‌تواند امری باشد که اثر مستقیم در فرهنگ دارد و موجب توسعه فرهنگ می‌شود چراکه از ارتباط انسان‌ها با یکدیگر، فرهنگ جوامع توسعه پیدا می‌کند. این چنین می‌توان پدیده گردشگری و جهانگردی را ارتباطی میان فرهنگ‌ها دانست و آن را نوعی ارتباط میان فرهنگی محسوب کرد.

یکی از آسیب‌های جدی خروج گردشگر از کشور، خروج ارز از کشور است. در حال حاضر مبلغی که مسافری خارج از کشور تحت عنوان عوارض خروجی پرداخت می‌نماید، در مقابل مبالغ میلیونی که این مسافری هزینه می‌نمایند، بسیار ناچیز به نظر می‌رسد. از طرفی دیگر برابری هزینه‌های سفر به خارج از کشور با هزینه‌های سفر به بعضی از نقاط کشور، موجب ترجیح سفر به خارج شده است.

از سویی موانع و تنگناهای فرهنگی موجود در جهانگردی ایران، باعث شده که با وجود منابع غنی گردشگری در کشور، اقبال گردشگران و جهانگردان خارجی به این سو چشمگیر نباشد. از جمله این موانع و تنگناهای فرهنگی می‌توان موارد زیر را برشمرد:

- ۱- ترس از اثرات مخرب گردشگر بر فرهنگ جامعه
- ۲- تصورات نادرست گردشگران از ایران بعد از انقلاب اسلامی
- ۳- معرفی نشدن جاذبه‌های گردشگری ایران
- ۴- عدم شناخت سلیقه گردشگران
- ۵- تصویر نادرست از محدودیت‌های فرهنگ ایرانی اسلامی برای گردشگران
- ۶- ضعف تحقیقاتی و پژوهشی در این زمینه

با نگاه به این حجم از اهمیت گردشگری، متأسفانه می‌بینیم که فقه اسلامی در طول زمان‌های گذشته، فقهی نظام‌ساز نبوده است و نظامی با اقتضائات و شرایط امروزی دنیا ارائه نکرده است. امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی نشان داد که فقه توانمندی نظام‌سازی را دارد. لذا باید به سمتی در علوم پیش برویم که بتوانیم الگوی فقهی و اسلامی ارائه کنیم. از این باب، پرداختن به حوزه‌های تخصصی علوم از منظر فقه مانند فقه ارتباطات، فقه رسانه، فقه گردشگری و... مهم است.

الگوی گردشگری و جهانگردی در جهان معاصر منجر به توسعه اقتصادی، اشاعه

فرهنگ غربی و تثبیت سلطه جهانی شده است، اما در گردشگری اسلامی با همان انگیزه‌های روان‌شناختی، اقتصادی، علمی و ارتباطی به عبادت، عبرت، امت و دعوت می‌رسیم.

لذا در این پژوهش تلاش داریم، با نگاهی به توان نظام‌سازی فقه و ابعاد اجتماعی و حکومتی آن، به بررسی اهم مسائل فقهی منابع شیعه، حوزه جهانگردی و گردشگری در جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

۲-۱. ادبیات نظری

مهم‌ترین اصطلاحات و واژگان به‌کار رفته در پژوهش حاضر، واژگان ذیل می‌باشند که به جهت پیشگیری از رخ دادن خطاهای لفظی در این قسمت به اختصار توضیح داده می‌شوند.

۳-۱. سائح

«سائح: من ساح فی الأرض، یسیح یسیحاً، اذ استمر فی الذهاب ومنه السیح، الماء الجاری و من ذلک یسمى الصائم سائحاً لایستمراره علی الطاعة فی ترک المشتی»؛ سائح، به کسی گفته می‌شود که در زمین می‌چرخد و گردشگری می‌کند، اصل این کلمه، به معنای حرکت و رفتن مدام است، به همین جهت به آب روان (سیح) گویند و از این رو به انسان روزه‌دار (سائح) گفته شده زیرا در فرمانبری و اطاعت از خداوند و دوری گزیدن از خواسته‌های نفسانی در طول روز پی‌گیر و استوار است (طبرسی، ۵۳۶ق، ج ۳، ص. ۱۴۶).

۴-۱. گردشگری

واژه «tourism» از دو بخش «tour» به معنای سفر، گشت، مسافرت، سیاحت و «ism» پسوندی که اشاره به مکتب یا اندیشه‌ای فلسفی، مذهبی، سیاسی، ادبی و غیر دارد ترکیب یافته است. توریسم یعنی مکتبی که پایه فکری آن سیاحت و گردشگری است (آکسفورد، ۱۹۸۹م، ص. ۱۳۵۶).

در ادبیات فارسی واژه‌ای به همین معنی (tour) و با همین هجا و آوا وجود دارد، که طور تلفظ می‌شود (به فتح طاء) به معنی پیرامون سرای و یا طوران (به فتح طاء) به

معنی پیرامون چیزی گردیدن، گرد بر چیزی گشتن (دهخدا، ۱۳۷۵). گردشگری با واژه‌های سیاح، گردشگری و توریست قرین است. وجه مشترک تمام این مفاهیم حرکت و جابه‌جایی است؛ اما حرکتی که توأم با تعقل و اندیشه است. وسعت این معنا را در واژه سیاح می‌توان دید. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه «فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ» بیان می‌دارد سیاحت، گردش در زمین است. به همین جهت به آبی که دائماً در جریان است، «سائح» گویند (طباطبایی، ۱۳۵۰، ج ۹، ص. ۱۴۷). در کلام عرب به «جهانگرد»، «سیاح» گفته می‌شود.

۱-۵. فقه

فقه در لغت، به معنای دانستن و فهمیدن است به معنای درک کردن چیزهای مخفی نیز آمده است. راغب در مفردات، آن را پی بردن از معلومات حاضر به معلومات غایب معنا کرده است.

در اصطلاح بنا بر اینکه فقه یک علم می‌باشد، به علم و استنباط احکام شرع از روی رأی و اجتهاد فقه اطلاق می‌شود. جرجانی می‌گوید:

«لغتی است که عبارت از فهم غرض متکلم از کلام است و در اصطلاح، علم احکام شرعیه عملیه از روی ادله تفصیلیه است و گویند آن اصابت و وقوف بر معنی خفی است که حکم بدان تعلق دارد و آن علم مستنبط از روی رأی و اجتهاد است» (جرجانی، ۱۳۷۰، ص. ۷۲).

علمی است که از فروع عملی احکام شرع بحث کند و مقصود از آن تحصیل ملکه اقتدار بر اجرای اعمال شرعی است. مبنای این علم بر استنباط احکام است از کتاب و سنت و سبب همین استنباط محل اجتهاد است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص. ۵۶). جامع‌ترین و مشهورترین تعریف فقه، تعریفی است که ظاهراً نخستین بار شهید اول، محمد بن مکی در کتاب القواعد و الفوائد آورده است: «الفقه، اصطلاحاً هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة عن ادلتها التفصیلیة».

۱-۶. فقه شیعه

بر اساس تعریف شهید اول و قیودی که برای تعریف خود ذکر کرده است خاصاً فرعیه، فقه شیعه، استنباط احکام از کتاب و سنت امامان معصوم (علیهم السلام) است که شامل اصول دین و اصول فقه نمی‌شود.

۱-۷. الگوی مستخرج

به‌طور کلی مدل یا الگو طرحی است که از واقعیت گرفته شده و روابط بین عوامل اصلی را نشان می‌دهد و می‌توان از آن برای پیش‌بینی و تصمیم‌گیری استفاده کرد. همواره می‌توان مدلی از سیستم مورد نظر ایجاد کرد و سپس به کمک آن نتایجی را که از تصمیمات گوناگون در سیستم حاصل می‌شود مورد مذاقه قرار داد. یکی از هدف‌های مدل‌سازی، ساده کردن و نشان دادن اجزا و عناصر اصلی و مورد نیاز یک سیستم می‌باشد. گاهی اوقات در الگو، عوامل اضافی و مُخل، عمداً کنار نهاده می‌شوند تا مدلی به دست آید که ضمن نشان دادن اجزای اصلی و ارتباط بین آنها، به اندازه کافی ساده و روشن باشد. انواع مختلف مدل‌ها عبارتند از مدل کلامی، ترسیمی، تجسمی و ریاضی که هر یک دارای درجه دقت خاصی هستند و در زمینه ویژه‌ای کارایی دارند (الوانی و میرشفیعی، ۱۳۶۹، صص. ۳-۴).

۲. پیشینه پژوهش

جهانگردی در اسلام از همان آغاز که با نام هجرت شروع شد و همواره در طول تاریخ اسلام ادامه داشت. گرچه در آغاز برای رهایی از شکنجه و آزار دشمنان صورت می‌گرفت، ولی بیشتر هدف از آن تقویت اسلام و نشر آثار و فرهنگ اسلامی بوده است. نخستین هجرتی که در اسلام رخ داد، هجرت حدود ۸۵ نفر از جوانان تازه مسلمان بود که با دستور پیامبر اسلام مکه را به قصد حبشه ترک گفتند (ابن هشام، ۱۳۴۴، ص. ۳۶۰) و آیین اسلام به دست این مهاجرین در دیار حبشه شهرت یافت. در دوران خلفا پس از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هجرت به اطراف کشور و آگاهی از اوضاع و احوال کشورهای مجاور صورت می‌گرفت و از جانب خلفا هیئت‌های رسمی گسیل می‌شوند تا کسب اطلاع کرده و ضمناً زمینه را برای توسعه و نشر فرهنگ

اسلامی آماده سازند. علاوه بر هیئت‌های سیاسی که به منظور برقراری روابط دیپلماتیک اعزام می‌شدند، در قرن سوم و چهارم هجری شخصیت‌های بارزی به جهانگردی دست زدند و آثار گران‌بهایی از خود به یادگار گذاردند. از جمله احمد بن ابی یعقوب ابن واضح یعقوبی، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، عبیدالله بن خرداد بلخی، ابوزید احمد بن سهل، حکیم ناصر خسرو قبادیانی، ابن بطوطه محمد بن عبدالله بن محمد و... اینها نمونه‌هایی است از جهانگردان جهان اسلام که جهانگردی را وسیله شناخت و نشر معارف و تبادل افکار و اندیشه‌های علمی و فرهنگی قرار داده‌اند و «فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ»؛ به گشت و گذار در پهنای زمین پردازید (توبه / آیه ۲)، «فَانظُرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَتِ اللَّهِ»؛ آثار گستره رحمت الهی را مشاهده کنید (روم / آیه ۵۰)، و آیه «أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا»؛ آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند (حج / آیه ۴۶)، و آیه «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ»؛ بگو: در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است (عنکبوت / آیه ۲۰) نصب العین خود قرار داده‌اند.

آقابزرگ تهرانی در «الذریعه» درباره سفرنامه‌ها و فایده و نتیجه‌های آنها در بالا بردن پایه‌های علمی جامعه، می‌نویسد:

«رحله یا سفرنامه، به کتابی گفته می‌شود که نویسنده آنچه را در شهر یا شهرهایی که به آن جا سفر کرده از اخبار مردم، عقائد، آداب و رسم‌های آنان، در زندگی و مرگ دیده و شنیده گردآورده است یا در آن کتاب، گزارش سفر دیگری را ارائه کرده است. در گذشته این گونه کتاب‌ها اثر فراوانی در بالا بردن اندیشه‌های ملت‌ها داشته است؛ زیرا آمیختگی فرهنگ‌ها، راه را برای نرم کردن و مهربانی و مهرورزی‌های بشری فراهم می‌سازد. کمی وسیله‌های نقلیه و سختی سفر در گذشته، مهم‌ترین بازدارنده در این راه بوده است. به گونه‌ای که اگر کسی اقدام به مسافرت طولانی می‌کرد و به شهرهای دور می‌رفت، مردی شجاع و قهرمان و آگاه و با تجربه شناخته می‌شد. ولی سختی‌ها مانع حرکت تاریخ به جلو نشد. در طول زمان مردان جهانگردی پیدا شدند که مشهور شدند و به مناطق دوردست، سفر کردند و اطلاعاتی را جمع و فراهم کرده و آنچه در سفرها دیدند نگاشتند» (آقابزرگ تهرانی، ۱۳۸۰ق، ج ۱۰، ص. ۱۶۵).

به طور معمول جهانگردان موفق کسانی بودند که از سفرنامه‌های پیشینیان بهره می‌بردند و با استفاده از مطالب آنها به کامل کردن اطلاعات خویش می‌پرداختند و بیشتر آنان را افراد با انگیزه و دانشمند تشکیل می‌داد.

با دقت در سفرنامه‌هایی که به جای مانده به این نتیجه می‌رسیم که آنچه از قرن سوم تا قرن هفتم وجود دارد، سیاحت مسلمانان به کشورهای خاورمیانه و خاور دور، مانند ژاپن و آفریقا و اروپا است. جهانگردان مسلمان گزارش سفر خویش را در کتاب‌های جغرافیایی و یا در تحقیقات تاریخی و عقیدتی ارائه داده‌اند. در این دوران خبری از رفت و آمد سیاحان اروپایی و مردمان غرب مسیحی نیست. گویا آنان هیچ‌گونه علاقه‌ای به گردشگری نداشته‌اند. گاه‌گاهی به یک جهانگرد و تاجر یهودی غربی در بلاد شرق برمی‌خوریم. از قرن هشتم به بعد، به ویژه در قرن دهم می‌بینیم که جریان گردشگری به طور دقیق به عکس جریان یافته است. جهانگردان مهم را غربیان تشکیل می‌دهند که به سرزمین‌های شرق روی آورده و گزارش‌های گوناگونی از آداب، میراث فرهنگی، شیوه‌های حکومتی، اجناس و محصولات شهرهای اسلامی ارائه داده‌اند و خبری از جهانگردان مسلمان نیست و یا اگر رحله‌هایی وجود دارد، در محدوده سفر حج و از منطقه‌ای اسلامی به منطقه‌ای دیگر است. در این مقطع کم‌تر کسی با سیاح مسلمان در مغرب زمین برخورد می‌کند. در این دوران سفرنامه نویسی و گردشگری در اختیار جهانگردان غربی است و در دنیای اسلام علاقه‌ای به آن دیده نمی‌شود.

رمز این تغییر و دگرگونی چیست؟ چرا کسانی که علاقه‌ای به جهانگردی نداشتند، به حرکت و تکاپو می‌افتند و مردمانی که در دوران سخت دنیا را می‌پیمودند بی‌تمایل به سفر می‌شوند؟ به نظر می‌رسد که علت عمده این تغییر با رشد اقتصادی و فرهنگی جامعه‌ها بستگی دارد. زمانی که دنیای اسلام و جهان شرق، پرچمدار تمدن و پیشرفت بودند و برای دستیابی به حقایق و علوم تلاش می‌کردند، جهانگردی در شرق از رونق بالایی برخوردار بود و سیر و سیاحت در اختیار مشرقیان مسلمان؛ زیرا هم از توانایی‌های مادی لازم برخوردار بودند و هم به کسب دانش و نشر آن اهمیت می‌دادند و هم دانشمندان جامعه از ارزش والایی برخوردار بودند. در آن زمان دنیای غرب مسیحی دوران تاریک قرون وسطی را می‌پیمود و مردمان آن از آگاهی‌های علمی بی‌بهره بودند و از جهت فرهنگی و اقتصادی دوران نکبت و سیاهی را می‌گذراندند. از

این روی، جایی برای سیر و سیاحت در اندیشه آنان نبود. آن زمان که دنیای غرب راه پیشرفت را در پیش گرفت، سیر و سیاحت فرنگیان به دنیای شرق آغاز شد (ذاکری، ۱۳۸۹، ص. ۲۹۹).

۳. بررسی روش، نتایج و یافته‌ها

۳-۱. روش به دست آوردن یافته‌ها

در اینجا لازم است تا روش مختار در این پژوهش بیان شود. این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است. در این پژوهش، با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری مطالب به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای موضوع گردشگری و منابع فقهی مرتبط با آن گردآوری شده است. سپس با استفاده از نظرات فقها و نخبگان و روش‌های فقهی و اجتهادی به تحلیل نتایج پژوهش‌ها می‌پردازیم. البته با اینکه رسیدن به احکام هر موضوع نیاز به توانایی اجتهاد دارد، در این پژوهش علاوه بر حرکت در فرایند اجتهاد و رسیدن به حکم، از نظرات فقها استفاده خواهیم کرد.

از طرفی با توجه به مسئله و موضوع این پژوهش که قصد واکاوی ارزش محوری در سیاست‌گذاری دولت اسلامی از دیدگاه دو اندیشمند مسلمان را دارد، جهت‌گیری آن از نوع مبنایی می‌باشد. البته خود پژوهش‌های مبنایی هم از نظر پرداخت منطقی و فلسفی و یا پرداخت مروری و استقرایی به دو نوع بنیادین و نظری تقسیم می‌گردند که پژوهش حاضری از نوع نظری می‌باشد.

از آن جایی که در این پژوهش قصد داریم با استفاده از متن‌های موجود بزرگانی مثل علامه طباطبایی (ره) و شهید مطهری (ره) ناظر به موارد مختلف، به سیاست‌های کلی دست یابیم، رویکرد این پژوهش «رویکرد استقرایی» خواهد بود.

۳-۲. مفاهیم و یافته‌های استخراج شده

۳-۲-۱. گردشگری در قرآن

قرآن، کتابی است جامع و فراگیر که به عنوان منبع بنیادی و اساسی در فهم و دستیابی به احکام شرعی، سخن نخستین را می‌زند. هر پژوهشگری از هر زاویه و افقی به این گنجینه خداوند بنگرد به مقصود و مطلوب مورد نظر خویش دست می‌یابد.

هر چند گردشگری و جهانگردی به این شکل کنونی پدیده تمدن امروزی است، اما می‌توان برای دستیابی به قواعد و اصول کلی آن، سراغ قرآن رفت و از کتاب الهی برای آن ره توشه گرفت.

آیات قرآن در این موضوع را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) امر به سیر و سیاحت و گردش در زمین؛ ب) نمونه‌ها و الگوهای سیر و گردش در زمین.

الف. امر به سیر و سیاحت و گردش در زمین

در تکاپوی زندگی به ویژه در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و تاریخی، سفر و گردشگری و سیر و جهانگردی دارای نقشی تعیین‌کننده و سرنوشت‌ساز است. از دیر زمان مردمان خردمند برای سیر و سفر جایگاه ویژه‌ای قائل بوده‌اند و آن را بخشی از زندگی اجتماعی و انسانی خویش می‌شمرده‌اند.

قرآن مجید، با به کارگیری واژه سیر در شکل‌ها و هیئت‌های گوناگون، دستور به گردشگری و جهانگردی می‌دهد:

«قد خلت من قبلکم سنن فسیروا فی الارض»؛ پیش از شما سنت‌هایی بوده است، پس بر روی زمین بگردید و بنگرید (آل عمران / آیه ۱۲۷).

«فسیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین»؛ پس در زمین بگردید و بنگرید که عاقبت کار آنان که پیامبر را به دروغ نسبت می‌دادند، چگونه بوده است (نحل / آیه ۳۶).

«قل سیروا فی الارض فانظروا کیف کان عاقبة المجرمین»؛ بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که پایان کار مجرمان چگونه بوده است (نمل / آیه ۶۹).

آیاتی که بدان اشاره شد، نه تنها اصل مسئله گردشگری را مورد تشویق و ترغیب قرار داده، بلکه آن را در قالب فرمان و امر به پیروان خود تکلیف کرده است.

دسته دیگر از آیات قرآن، به صورت استفهام سرزنشی و تحریکی به مسئله گردشگری پرداخته و آنانی را که از این مهم سر بر می‌تابند مورد نکوهش و پرسش قرار داده است:

«افلّم یسیروا فی الارض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم»؛ آیا در روی زمین نمی‌گردند، تا بنگرند که عاقبت کسانی که پیش از آنان بودند، چه بود؟ (یوسف / آیه ۱۰۹).

«افلّم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها»؛ آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا صاحب دل‌هایی گردند که بدان تعقل کنند... (حج / آیه ۴۶).

این پرسش‌ها، ضمن تحریک و ایجاد انگیزه در مسلمانان برای حرکت و گردش در اطراف و اکناف زمین و گشتن در جهان و سیر و سفر در طبیعت و کوه و دشت و هامون این نکته را مطرح می‌کند که برای دریافت سنت‌های تاریخی و نگرش به عاقبت و پایان کار تمدن‌های عظیم و بناهای تاریخی و جغرافیایی، نباید تنها به مطالعه آثار پرداخت، بلکه باید همت کرد و رنج سفر بر خود هموار ساخت و کوی به کوی و جای به جای جهان را در نوردید و به سیر آفاقی در کنار سیر انفسی دست زد (فصلت / آیه ۵۳)، تا به راز و رمز پیشرفت‌ها و تمدن‌ها دست یافت و از فروپاشی و سقوط آنها درس عبرت و تجربه آموخت (فتکون لهم قلوب یعقلون بها).

گذشته از آیاتی که با روشنی و آشکارا به مسئله سیر و گردشگری فرمان می‌دهد، آیات دیگری نیز در قرآن وجود دارد که نتیجه و پیام آن دعوت به گردش و سیر و سفر در ارض برای دریافت درس‌های عبرت‌آمیز و سرنوشت‌ساز از آثار استعمارگران است، از جمله:

«کم ترکوا من جنات وعیون وزروع و مقام کریم و نعمه کانوا فیها فاکهین کذلک و اورثناها قوما آخرین...»؛ بعد از خود چه باغ‌ها و چشمه‌سارها بر جای گذاشتند و کشتزارها و خانه‌های نیکو و نعمتی که در آن غرق شادمانی بودند، بدین‌سان بودند و ما آن نعمت‌ها را به مردمی دیگر واگذاشتیم... (دخان / آیات ۲۶-۲۸).

یکی دیگر از واژه‌هایی که در رابطه با گردشگری و جهانگردی در قرآن مطرح شده است، واژه سیاحت است. این کلمه با سایر هیئت‌های آن در چند جای قرآن به چشم می‌خورد.

قرآن مجید، به هنگام ترسیم سیمای مؤمنان و تصویر چهره فرزندان به تکلیف‌های فردی و اجتماعی و ویژگی‌های ارزشی آنان اشاره می‌کند و یکی از آن ویژگی‌ها را (سائح) بودن آنان می‌شمرد:

«التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الأمرون بالمعروف والنهون عن المنکر و الحافظون لحدود الله»؛ آنان که با خدا روی آشتی دارند و خدا را

عبادت می‌کنند، با سپاس و ستایش خداوند نرم و آرام در راه زندگی قدم می‌زنند، تکلیف انفرادی خود نماز را با دو رکن اصلی آن رکوع و سجده بپا می‌دارند و تکلیف اجتماعی خود را با دو رکن اساسی آن امر به معروف و نهی از منکر، به فرجام می‌برند و مرزهای الهی را نگهبانند (توبه / آیه ۱۱۲).

در این آیه سیاحت در کنار دیگر ارزش‌ها قرار گرفته و معنای آن هم نمی‌تواند منحصر و محدود به یک مصداق مانند روزه باشد. گروهی از مفسران به قرینه سیاق و روند آیه آن را به معنای سیر و حرکت به سوی مراکز عبادی معنی کرده‌اند، ولی هم ایشان باز در توضیح معنای سیاحت گفته است که:

«یسیحون ویجولون من معهد من المعاهد الدینیّه و مسجد من مساجد الله الی غیره»؛ از ویژگی‌های مؤمنان راستین یکی آن است که گردش و حرکت می‌کنند از پایگاهی از پایگاه‌های دینی و عبادی بسوی پایگاهی دیگر (توبه / آیه ۱۱۲).

این معنا سازگار با معنای لغوی‌ای است که سیاحت را به معنای حرکت و جابه‌جایی و گردشگری دانسته است.

ب. نمونه‌ها و الگوهای سیر و گردش در زمین

بخش گسترده‌ای از بحث‌های قرآن در قالب سرگذشت اقوام پیشین و داستان‌های گذشتگان بیان شده است. قرآن، با نقل فصل‌ها و فرازهایی از داستان گذشتگان، روایتی تصویری و هنری از اندیشه و فرهنگ آنان را به نمایش می‌گذارد و حس کنجکاو آدمی را برای ردیابی و شناسایی مکان‌ها و سرزمین‌های وقوع این داستان‌ها برمی‌انگیزاند و همین به نوبه خود گونه‌ای گردشگری و جهانگردی را می‌طلبد که قرآن در ضمن بیان قصه‌ها داستان‌های گذشتگان را به آن سو فرا می‌خواند:

«نحن نقص عليك احسن القصص بما اوحينا اليك هذا القرآن و ان كنت من قبله لمن الغافلين»؛ ما نیکوترین سرگذشت را با این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت کنیم و تو پیش از آن از بی‌خبران بودی (یوسف / آیه ۳).

در اینجا می‌پردازیم به ارائه سیمانگاری کوتاهی از قرآن درباره شماری از شخصیت‌های الهی که زندگی آنان همراه با سفرها و مهاجرت‌های گوناگون بوده است:

ج. ابراهیم مهاجر

قرآن در آیه‌های زیر به سفرها و هجرت‌های ابراهیم (علیه‌السلام) اشارت می‌کند:

- ۱- «فأمن له لوط و قال انی مهاجر الی ربی، انه هو العزیز الحکیم»؛ لوط به او ایمان آورد و گفت: من به سوی پروردگارم مهاجرت می‌کنم؛ زیرا او پیروزمند و حکیم است (عنکبوت / آیه ۲۶).
- ۲- «ونجیناه لوطاً الی الارض الی بارکنا فیها للعالمین»؛ او و لوط را رها کردیم و به سرزمینی که آن را برکت جهانیان قرار داده‌ایم، بردیم (انبیاء / آیه ۷۱).

د. فرزندان یعقوب

در مجموع به سه سفر در آیات قرآن برای فرزندان یعقوب اشارت شده است:

- ۱- نخستین سفر از کنعان به مصر به اتفاق همه فرزندان به جز بن‌یامین (ده نفر).
- ۲- دومین سفر به اتفاق و همراهی برادر یازدهمی به نام بن‌یامین.
- ۳- سومین سفر، فرزندان یعقوب به همراهی پدر برای دیدن یوسف و پایان قصه پرغصه (یوسف / آیات ۵۸-۱۰۰).

قرآن، با اشاره به نکته‌های ریز این رفت و آمدها و سفرها، مسائل و مباحث تربیتی، اخلاقی، عاطفی و انسانی ظرفیتی را نیز در لابه‌لای آن گنجانده است.

ه. موسی و خضر (دو گردشگر ناهمگون)

حضرت موسی (علیه‌السلام) در مصر به دنیا آمد و در جا مدتی بزیست. در وی، از همان دوران نوجوانی و جوانی روحیه ستم‌ستیزی و مدد‌رسانی به ستم‌دیدگان دیده می‌شد. بر اثر درگیری که بین دو نفر سبطی و قبطی به وجود آمد و موسی به کمک سبطی شتافت و مرد قبطی را نقش بر زمین ساخت و روز دیگر نیز شبیه همین ماجرا تکرار شد (قصص / آیات ۱۵-۲۰)، فرعونیان فهمیدند موسایی که به دنبال آن می‌گشتند هموست؛ از این‌روی به جست‌وجو پرداختند تا دستگیرش کنند، موسی پس از آگاه شدن از این امر ترسان و نگران از شهر بیرون رفت:

«فخرج منها خائفا یتربق قال رب نجنی من القوم الظالمین»؛ ترسان و نگران از شهر بیرون شد. گفت: ای پروردگار من، مرا از ستمکاران رهایی بخش (قصص / آیه ۲۱).

این نخستین سفر حضرت موسی (علیه السلام) بود که از مصر به سوی مدائن انجام گرفت و پیش از نبوت بود.

و. ذوالقرنین

قرآن در آیات شانزده گانه سوره کهف از شخصی سخن می گوید که سفرهای گوناگون به اطراف و اکناف جهان داشته و با جهان پیمایی به سوی شرق و غرب شتافته و آثاری از خود به یادگار گذاشته است. در این که این جهانگرد با کدامین مرد معروف تاریخ برابر می شود، میان مفسران و مورخان گفتگو بسیار است.

۳-۲-۲. گردشگری در بررسی از نگاه روایات

در برخی روایات، مشقت آور بودن سفر و سختی های آن گوشزد شده است، از باب نمونه در روایتی می خوانیم:

«السفر قطعاً من العذاب واذا قضی احدکم سفره فلیسرع الایاب الی اهل»؛ سفر، قطعه ای از عذاب است، هر گاه کسی از شما، مسافرت خود را تمام کرد، در برگشتن به سوی اهل خود، شتاب ورزد (مجلسی، ۱۱۰ق، ج ۷۶، ص. ۲۲۲).
با این وجود، در روایاتی دیگر، سفر رفتن مورد تشویق قرار گرفته و فواید معنوی و مادی آن یادآوری شده است، از جمله در حدیثی نبوی آمده است:

«سافروا تصحوا، سافروا تغنموا»؛ مسافرت کنید تا سلامتی و عافیت یابید. مسافرت کنید تا بهره مند شوید (مجلسی، ۱۱۰ق، ج ۷۶، ص. ۲۲۱).
در حدیثی دیگر از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است:
«سافروا تصحوا و ترزقوا»؛ مسافرت کنید تا سلامتی و روزی پیدا کنید (متقی هندی، ۹۷۵ق، ص. ۱۷۴).

البته روشن است که نباید «مسافرت» را معادل «جهانگردی» دانست، زیرا جهانگردی، بیشتر، بلکه شاید همیشه، در مسافرت های برون مرزی و دیدار از دیگر کشورها به کار برده می شود و حال آنکه مسافرت، به رفت و برگشت های کوتاه مدت و کم مسافت، مانند رفتن از شهری به شهر دیگر، نیز اطلاق می گردد، از این روی، نسبت میان این دو عنوان، عموم و خصوص مطلق است.

به هر حال، می‌توان این‌گونه روایات را در فهم مطلوب بودن سفر جهانگردی، دست‌کم به عنوان تأییدکننده، مورد توجه قرار داد و به آنها استیناس کرد. پاره‌ای دیگر از روایات به شرح و بسط جهانگردی ذوالقرنین می‌پردازند که از آنها به گونه تلویحی، مطلوب بودن این کار دانسته می‌شود. از باب نمونه، ضمن روایت مفصلی که اصبع بن نباته، از امیرالمؤمنان (علیه‌السلام)، نقل می‌کند، آمده است:

«... اوحی الله الیه أن سر فی ناحیه غرب الارض وشرقها وقد طویت لک البلاد و ذلت لک العباد و ارهبتهم منک...»؛ ... خدا به ذوالقرنین وحی کرد و به او دستور داد: در غرب و شرق زمین به سیاحت پردازد [و خداوند به او وحی کرد] سرزمین‌ها را به تصرف تو درآوردم و بندگان را مقهور و مرهوب تو ساختم (بحرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۴۸۳).

بر حسب برخی دیگر از روایات، امام عصر (علیه‌السلام)، نیز همانند ذوالقرنین به سیاحت و جهانگردی می‌پردازد و شرق و غرب زمین را درمی‌نوردد.

۳-۲-۳. جهانگردی و ارتباطات میان فرهنگی

ارتباط میان فرهنگی را این‌گونه تعریف نموده‌اند: «ارتباط میان مردمانی که ادراکات فرهنگی و نظام نمادهایشان به اندازه‌ای گوناگون است که می‌تواند در جریان ارتباط، ایجاد اختلال نماید» (ساموار، ۱۹۹۵م، ص. ۵۸).

در جهان معاصر، آنچه توجه بیشتری را از سوی سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران حوزه جهانگردی دریافت نموده است، جنبه اقتصادی آن است.

در مقابل رویکرد اقتصادی به جهانگردی، می‌توان رویکرد عام دیگری را تحت عنوان رویکرد فرهنگی در نظر گرفت که به طور خاص به حوزه مطالعات میان فرهنگی وارد می‌شود. در این رویکرد، جهانگردی ارتباطی میان فرهنگی است که بدون واسطه و به شکل مستقیم جریان می‌یابد.

ابعاد کمتر شناخته شده پدیده گردشگری و جهانگردی به ویژه ساختار اجتماعی - فرهنگی آن از دهه ۱۹۹۰ در خور توجه بیشتری قرار گرفت و نگاه علمی به آن توسعه یافت. جهانگردی به آرامی از مرزهای اقتصادی و بازاریابی خود خارج و به سایر حوزه‌های پژوهشی آن نیز توجه شد (جعفری، ۲۰۰۰م، ص. ۱۷) یکی از این حوزه‌ها،

رویکرد فرهنگی به جهانگردی است که به طور خاصی به حوزه مطالعات میان‌فرهنگی وارد می‌شود. در این رویکرد جهانگردی، ارتباطی میان‌فرهنگی است (همايون، ۱۳۸۴، ص. ۳۲). همین شیوه تعامل میان‌فرهنگی و گرایش مردم جهان به یافتن آسان‌ترین و مؤثرترین راه برای گفتگو و تبادل فرهنگی سبب شده تا نقش جهانگردی در تعاملات بین‌المللی هر روز حیاتی‌تر شود (کاظمی، ۱۳۸۵، ص. ۷). پذیرش جهانگردی به عنوان ارتباطی میان‌فرهنگی، آن را به فرصتی برای تعامل، تبادل و گفتگو بدل می‌سازد: «جهانگردی پلی است میان فرهنگ‌های متنوع و ملل مختلف» (بونی فیس، ۱۳۸۰، ص. ۱۳). ارتباط میان‌فرهنگی که به صورت ارتباط میان مردم با فرهنگ‌های مختلف ایجاد می‌شود، سطوح مختلفی دارد که از جمله آن میان فرهنگ‌های ملی در جوامع مختلف است و در این سطح فراملی، در جریان رابطه فرهنگی، فرد در معرض سایر ارزش‌های فرهنگی قرار می‌گیرد و در نتیجه، «فرایندی انعکاسی آغاز می‌شود که موجب تعامل مثبت میان اشخاصی و فرهنگ‌ها می‌گردد. به همین علت، فرهنگ‌ها می‌توانند از گفتگو به عنوان نماد ارتباط میان فرهنگی استفاده نمایند» (حاجیان، ۱۳۸۶، ص. ۹). محقق دیگری نیز با تأکید بر کارکرد جهانگردی در تبادل و تعامل فرهنگی و ارتباط بین اقوام و ملل مختلف، آن را برای بقای جوامع ضروری می‌داند (شالچیان، ۱۳۸۲، ص. ۲۱).

گفتگوی بین فرهنگی، سازوکاری جدی و مؤثر برای آگاهی یافتن از تنوع فرهنگی، انتقال و تبادل مفاهیم و نزدیکی فرهنگ‌هاست. افراد از طریق گفتگو متوجه می‌شوند که به گروه فرهنگی خاصی تعلق دارند و در عین حال، با فرهنگ اقوام و ملت‌های مختلف آشنا می‌شوند؛ آگاهی‌های خود را در این زمینه افزایش می‌دهند و در نهایت، ضمن همدلی، دشواری پذیرش نگرش‌ها و باورهای دیگران را بر خود هموار می‌سازند و این همان مفهومی است که در ارتباطات میان‌فرهنگی «آگاهی میان‌فرهنگی» نام برده می‌شود (چن و استاروستا، ۲۰۰۳م، ص. ۳۴۴). بنابراین، جهانگردی زمانی که مبتنی بر گفتگو و همدلی باشد، یکی از بهترین مصادیق ارتباط میان‌فرهنگی است. رویکرد فرهنگی به جهانگردی را البته نباید به جهانگردی فرهنگی محدود نمود. «بیشتر تعریف‌ها از جهانگردی فرهنگی، آموختن درباره دیگران و روش و سبک‌های زندگی آنان را اصلی‌ترین عامل می‌دانند و خودشناسی در اولویت بعدی انگیزه‌ها قرار می‌گیرد. برخی محققان بر این وجه توجه بیشتری داشته‌اند و آن را «سفر برای توانمندسازی فردی»

می‌نامند. پس از این، تأکید در تعریف‌ها بر توسعه، عرضه و تفسیر منابع فرهنگی به عنوان یک عنصر ضروری در جهانگردی قرار دارد» (دیور، ۲۰۰۰م، ص. ۱۲۵). واژه‌نامه توصیفی گردشگری کشور نیز تعریفی مبتنی بر موضوعات جالب توجه برای جهانگردان عرضه می‌کند و انگیزه بازدید از این‌گونه موضوعات مدنظر را جهانگردی فرهنگی می‌نامد: «سفرهایی به قصد دیدن محیط‌های فرهنگی از جمله مناظر، هنرهای بصری یا اجرایی، آثار باستانی، بناها، شیوه‌های خاص زندگی، ارزش‌ها و مراسم و رویدادها» (سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۸۱، ص. ۱۰). بنابراین، می‌توان در تعریف جهانگردی فرهنگی بر سه عامل به طور جدی تأکید نمود: انگیزه برای دیدار از نحوه زندگی دیگران در محیط واقعی، انگیزه برای رشد و تعالی فردی و انگیزه برای دیدن بازموده‌های فرهنگی روش زندگی مردم یعنی هنر، موسیقی، صنایع دستی و مانند آن (جعفری هفتخوانی، ۱۳۸۶) این همان نکته‌ای است که مؤلف کتاب مدیریت گردشگری فرهنگی (بونو فیس، ۱۳۸۰، ص. ۱۳) بر آن تأکید دارد که در هر حال، «آرمان جهانگردی فرهنگی عبارت است از شناخت، احترام و فهم». به همین دلیل است که امروزه توجه به جهانگردی به عنوان زمینه‌ساز تفاهم بین فرهنگ‌های متنوع فراگیر شده است و جهانگردی فرهنگی با توجه خاص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان فرهنگی کشورها در سطح ملی و بین‌المللی مواجه شده است (جعفری هفتخوانی، ۱۳۹۲، ص. ۵۹).

اکنون اگر جهانگردی را یک ارتباط میان فردی مستقیم و میان فرهنگی و به دنبال آن یکی از انواع ارتباطات بدانیم، باید بتوانیم همانند دیگر فعالیت‌های ارتباطی برای تبیین و تحلیل دقیق‌تر، عناصر سازنده آن را شناسایی کنیم و در حد توان به ارائه الگویی برای نشان دادن چگونگی روابط میان این عناصر دست یازیم. تجزیه پدیده‌ها به عناصر و قرار دادن این عناصر و رابطه میان آنها در یک الگو، نخستین گام در جهت سیاست‌گذاری برای آن پدیده است.

اگر به فراگردی ارتباطی که در اثر فعالیت‌های جهانگردی به وجود می‌آید به دقت بنگریم، می‌توانیم رد پای چهار عنصر اصلی را در آن بیابیم که تحلیل این فراگرد بر پایه آن ممکن می‌شود. این چهار عنصر عبارت است از: جهانگرد، میزبان، انگیزه و جاذبه. در هر فعالیت جهانگردانه این عناصر به روشنی قابل تشخیص است و هر جا که امکان گرد آمدن این عناصر در کنار هم فراهم باشد، می‌توان گفت که جهانگردی به عنوان یک

ارتباط میان فرهنگی در حال شکل گرفتن است. ادامه این نوشتار به توضیح بیشتر پیرامون این عناصر و تلاش برای طراحی یک الگوی ویژه جهانگردی اختصاص دارد (همایون، ۱۳۸۴، ص. ۹۶).

۳-۲-۴. جهانگرد و گردشگر

نخستین و مشهورترین عنصر قابل تشخیص در جهانگردی، «جهانگرد» است. جهانگرد را کسی تعریف کرده‌اند که برای تفریح، فراغت، تعطیلات، سلامتی، آموزش، دین، ورزش، تجارت یا دلایل خانوادگی سفر کند (ون هارسل، ۱۹۹۴م، ص. ۷).

در آمارهای سازمان جهانگردی جهانی، جهانگرد یا «دیدارکننده یک شبه»^۲ کسی است که دست‌کم یک شب را در یک اقامتگاه عمومی یا خصوصی، در محل بازدید به سر می‌برد. در مقابل این گروه، دیدارکننده گذری یا «دیدارکننده یک‌روزه»^۳ از این نوع، دیدارکننده‌ای است که شب را در کشور مورد بازدید نمی‌گذراند. این گروه شامل مسافران کشتی‌ها و قطارها که شب را در آن می‌گذرانند، نیز می‌شود. مسافرانی که در آمارهای جهانگردی لحاظ می‌شوند عبارتند از: پیله‌وران مرزی، مهاجران موقت و دائمی، چادرنشین‌ها، مسافران عبوری (ترانزیت)، پناهندگان، اعضای نیروهای مسلح، نمایندگان شوراها و دیپلمات‌ها (داس ویل، ۱۳۷۹، صص. ۲۵-۲۳).

به هر حال در تعریف و معرفی انواع جهانگردان، از زاویه‌هایی گوناگون می‌توان به این موضوع نگریست. باید توجه داشت که این عنصر از اصناف مختلفی تشکیل شده که هر کدام تأثیری مستقیم بر نوع تعامل فرهنگی نهفته در جهانگردی از خود بر جای می‌گذارند. اگر بر اساس رویکرد حاکم بر این پژوهشی، تمایلات جهانگردان را در انطباق با جامعه میزبان و تعمیق ارتباطات میان فرهنگی در تقسیم‌بندی لحاظ کنیم، می‌توان بر این اساس به انواع زیر رسید:

- جهانگردان شبه کاشف^۴: این گروه از جهانگردان به دنبال کشف و دانستن هستند و تعداد آنها نیز محدود است. این عده که ترجیح می‌دهند به جای جهانگرد، انسان‌شناس خطاب شوند، در میان مردم محلی به مثابه یک مشاهده‌گر فعال زندگی می‌کنند و به سادگی با هنجارهای جامعه میزبان در سکونت، غذا و شیوه زندگی خو می‌گیرند. سفر این عده معمولاً طولانی است و این زمان طولانی به آنها امکان تماس و

شناخت بیشتر جامعه میزبان را می‌دهد.

- جهانگردان نخبه^۵: که از نظر تعداد بسیار اندک است، شامل افرادی می‌شود که پیش از این تقریباً همه‌جا را دیده‌اند و اکنون به عنوان مثال می‌خواهند یک هفته سفر با یک کرجی پارویی به همراه یک راهنما را در یکی از رودخانه‌های بزرگ جهان تجربه کنند. این عده از گروه پیشین در اینکه واقعاً جهانگردند متمایز می‌شوند. این گروه از وسایلی استفاده می‌کنند که در ابتدای سفر قابل پیش‌بینی و تهیه است. آنها بدون این که تمایلی به فعال بودن در مشاهدات خود از کشور میزبان داشته باشند، با شرایط زندگی جدید اما موقت، خود را انطباق می‌دهند و از این راه شناخت عمیقی نسبت به جوامع مختلف پیدا می‌کنند.
- جهانگردان تکرو^۶: تمایل این‌گونه جهانگردان را از دیگران متمایز می‌کند. نخست فاصله گرفتن از هیاهوهای جهانگردان و دوم تمایل به بالا بردن هیجان سفر با انجام اموری و رای‌هنجارها. به طور کلی این گروه با اندک امکاناتی به سر می‌برند و خود را با شرایط سفر به راحتی تطبیق می‌دهند.
- جهانگردان غیرمعمول^۷: این گروه را جهانگردانی تشکیل می‌دهند که حاضرند به جای خرید، به یک تور یک روزه برای بازدید از مردم بومی بروند. اینان مردمان دیگر را فرهنگ‌های ابتدایی به شمار می‌آورند و در عین حالی که علاقه‌مند به این بازدید هستند، اما به ظرف غذا و نوشابه خود تمایل بیشتری نشان می‌دهند و حاضر نیستند آسایش خود را به مخاطره بیندازند.
- جهانگردان توده ابتدایی^۸: این گروه شامل جهانگردانی است که معمولاً در گروه‌های کوچک و با وسایل مجهز از قبیل اتوبوس‌های مجهز به دستگاه‌های تصفیه هوا، همراه با راهنما به سفر می‌روند و در مقصد نیز در هتل‌های مدرن اقامت می‌کنند.
- جهانگردان توده^۹: این نوع از جهانگردی بر اساس زندگی طبقه متوسط بنا شده است. سفر این گروه کاملاً برنامه‌ریزی شده صورت می‌گیرد و در آن، رودررو شدن با فرهنگ واقعی میزبان هیچ جایی ندارد. یک جهانگرد در این الگو، تنها اجازه دارد خارجی‌هایی را که می‌خواهد، بدون تحمل کمترین سختی ببیند. این‌گونه جهانگردان مناسب‌ترین و بالقوه‌ترین هدف برای ساختن تصاویر قالبی از ملت‌ها و حتی در برخی موارد، خود منبع ساختن این تصاویر هستند. دغدغه اصلی آنان وجود افراد

آموزش دیده و آشنا به زبان برای برطرف نمودن نیازهایشان است.

- جهانگردان گذری^۱: وجه تمایز اصلی این گروه از دیگر انواع جهانگردان، تماس بسیار ناچیز آنان با فرهنگ جامعه میزبان است. تأکید اصلی در این نوع از جهانگردی بر هتل‌ها و امکاناتی است که ویژه این افراد در نظر گرفته شده است. این گروه تمایل دارند تا اعتبار حاصل از بازدید مکان‌های مختلف را با امنیت یک محیط آشنا جمع نمایند. کمترین زمان سفر نیز به این دسته اختصاص دارد (ون هارسل، ۱۹۹۴م، صص. ۱-۱۳۰).

۳-۲-۵. میزبان یا جامعه مقصد

در آن سوی فراگرد ارتباطی جهانگردی، میزبان قرار دارد. میزبان فرد یا نهادی است که جهانگرد در مقصد خود با او سر و کار دارد. در این مورد، تقسیم‌بندی را می‌توان بر اساس نوع و میزان درگیری میزبان با جهانگردان انجام داد. نخستین نهاد درگیر با مسئله جهانگردی «دولت‌ها» هستند. دخالت دولت در امر جهانگردی از چند راه صورت می‌پذیرد. نخستین و مهمترین آن، دخالت از راه سیاست‌گذاری است. در بیشتر موارد، دولت‌ها با بررسی وضع کلی کشور از جنبه‌های مختلف زیست‌محیطی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به تنظیم و اعمال سیاست‌هایی محدودکننده، جهت‌دهنده یا تشویقی می‌پردازند. همچنین انجام تشریفات اداری ورود و خروج جهانگردان خارجی و مسائل امنیتی آنان از قبیل صدور روادید و نظارت گمرکی بر عهده دولت است. در سومین مرحله، وظیفه دولت‌ها نگهداری از جاذبه‌های جهانگردی کشور و یا ایجاد و توسعه آن است. و سرانجام، دولت‌ها در برخی موارد در به عهده گرفتن خدمات جهانگردی و ایجاد تأسیسات لازم برای آن، با بخش خصوصی به رقابت می‌پردازند. «شرکت‌ها، سازمان‌ها و مراکز خدماتی وابسته به بخش جهانگردی» دومین گروه میزبانان را تشکیل می‌دهند. متصدیان امور تأسیسات حمل و نقل از قبیل شرکت‌های هواپیمایی و مؤسسات کرایه خودرو، تأسیسات اقامتی مانند هتل‌ها و متل‌ها، آژانس‌های مسافرتی، خدمات مالی مربوط به جهانگردی مانند کارت‌های اعتباری و چک‌های مسافرتی، فروشگاه‌های ویژه جهانگردان مانند فروشگاه‌های صنایع دستی، خدمات آموزشی و همچنین انتشارات این حوزه، در این دسته جای می‌گیرند. کارگران غیرمحملی و حتی خارجی را نیز که برای کار

به منطقه دارای جاذبه جهانگردی مهاجرت می‌کنند باید از جمله این گروه به حساب آورد. این گروه در کنار دولت‌ها وظیفه تأسیس و نگهداری از جاذبه‌ها را نیز به عهده می‌گیرند. وابستگی اقتصادی و درگیری بیشتر با امر جهانگردی و جهانگردان تا حدی که این مسئله برای آنان فعالیت اساسی در زندگی محسوب می‌شود، این گروه را از طبقات بعدی متمایز می‌سازد.

سومین دسته، «افراد و کسبه» ای هستند که اگرچه در بازار جهانگردی دارای سهمی هستند، اما امرار معاش آنان وابسته به این صنعت نیست. به هر حال این عده نیز به طور مستقیم و شخصی با جهانگردان سر و کار دارند و از آنجا که برای جهانگردان نگاهی عمیق‌تر و واقعی‌تر به جامعه میزبان فراهم می‌کنند، در فراگرد ارتباط میان‌فرهنگی مورد بحث ما نقش مهمی بازی می‌کنند. سوغاتی که جهانگردان از فرهنگ مردم یک کشور به سرزمین خود می‌برند، عمدتاً محصول تجربه‌های میان‌فرهنگی است که با این گروه انجام داده‌اند.

سرانجام در دسته پایانی، «عامه مردم» قرار می‌گیرند که واقعی‌ترین محمل‌های فرهنگ کشور میزبان به شمار می‌روند و در عین حال کمترین فرصت را برای ارتباط با جهانگردان معمولی در اختیار دارند. ارتباط با این گروه نصیب جهانگردانی می‌شود که در طبقه‌های نخستین جهانگردان به آنها اشاره شد. این ارتباط ارزشمندترین نوع ارتباطی است که در جهانگردی می‌تواند به وقوع بپیوندد و مبنای سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد.

الف. انگیزه‌ها

در مورد انگیزه‌های جهانگردان برای سفر به مناطق دیگر، امور مختلفی ذکر شده است که بیشتر آنها در معرفی تفریح، لذت‌جویی و صیانت نفس که از اصول و حقایق مرکزی فرهنگ توده است، مشترکند. «مک اینتاش» و «گلدنر» (ون هارسل، ۱۹۹۴م، ص. ۱۲۷) این انگیزه‌ها را در سه دسته کلی جای داده‌اند:

- انگیزه‌های جسمانی: این مجموعه شامل تمامی سفرهایی می‌شود که با انگیزه کاستن از تنش‌های زندگی روزمره از راه فعالیت‌های جسمانی صورت می‌گیرد. انگیزه‌هایی از قبیل فعالیت‌های ورزشی، تفریحات ساحلی، سرگرمی‌ها و مسائل مربوط به بهداشت و سلامتی در این گروه قرار دارد.

- انگیزه‌های میان‌فردی: شامل ارتباط با انسان‌های دیگر، ملاقات با دوستان و اقوام، فرار از خانواده و همسایگان و یافتن دوستان تازه.
- انگیزه‌های مقام و اعتبار: در این دسته مسافرت برای تجارت، بستن پیمان، مطالعه و تحصیل و به طور کلی هر آنچه قرار دارد که بر تمایز انسان از دیگران، مورد توجه و احترام قرار گرفتن و دانش وی بیفزاید.

ب. جاذبه‌ها

در هر سرزمین و هر فرهنگی جلوه‌ها و عناصر منحصر به فردی به چشم می‌خورد که برای مردم سرزمین‌ها و فرهنگ‌های دیگر تازگی دارد و همین عناصر منحصر به فرد است که بهانه‌ای می‌شود برای تحقق فعالیت جهانگردی، این عناصر که آنها را به نام جاذبه‌های جهانگردی می‌شناسیم در دو دسته کلی «جاذبه‌های طبیعی» و «جاذبه‌های فرهنگی» قرار می‌گیرند.

جاذبه‌های طبیعی مواهب الهی هستند که در هر سرزمینی کم و بیش به ودیعه گذاشته شده است. اگرچه بشر نیز در این مواهب خداوندی تغییراتی ایجاد کرده، اما اصل وجود آنها به انسان بستگی نداشته است. این جاذبه‌ها خود قابل تقسیم به سه دسته‌اند:

- جاذبه‌های برانگیزاننده حس کنجکاوی و اکتشاف، مانند جنگل‌های انبوه، رودخانه‌های خروشان و کوه‌های سر به فلک کشیده.
- جاذبه‌های ویژه تفریح و لذت‌جویی، مانند سواحل دریاها و پهنه‌های دشت‌ها.
- جاذبه‌های مؤثر در درمان و کسب سلامتی، مانند چشمه‌های آب گرم.
- از آنجا که جاذبه‌های فرهنگی، آنهایی هستند که دست بشر در آفرینش آن به کار بوده است، به دلیل تنوع میان فرهنگ‌های انسانی، از گوناگونی بیشتری نیز برخوردارند. این جاذبه‌ها قابل تقسیم به گروه‌های زیرند:
 - جاذبه‌های تاریخی و تمدنی، مانند آثار باستانی و موزه‌ها.
 - جاذبه‌های دینی، مانند مساجد، مکان‌های مقدس، حرم امامان و امامزاده‌ها که از نگاه دیگری در ردیف جاذبه‌های تاریخی نیز جای می‌گیرند.
 - جاذبه‌های اجتماعی، مانند فرهنگ عمومی مردم و ویژگی‌های حکومت‌ها.
 - جاذبه‌های مردم‌شناختی و فولکلوریک، مانند مراسم و سنت‌های فرهنگی اقوام -

مختلفی.

○ جاذبه‌های فناورانه، مانند ساختمان‌های بلند و نوآوری‌های به نمایش درآمده در نمایشگاه‌های مختلف.

○ جاذبه‌های آموزشی و پژوهشی، مانند دانشگاه‌ها و کتابخانه‌های بزرگ.

○ جاذبه‌های ورزشی، مانند ورزشگاه‌ها و مسابقات ورزشی از قبیل بازی‌های المپیک. بر اساس جاذبه‌های گوناگونی که تلاش شد تا از آن تصویر دقیقی ارائه گردد، جهانگردی را به دسته‌های دهگانه‌ای تقسیم نموده‌اند (ون هارسل، ۱۹۹۴م، ص. ۱۲۹) این گروه‌ها از این قرار است:

۱- جهانگردی طبیعت: ویژه کسانی است که از زندگی در طبیعت وحشی و دیدن مناظر زیبا لذت می‌برند.

۲- جهانگردی فرهنگی: افرادی را جذب می‌کند که علاقه اصلی آنان به تاریخ و فولکلور مردم کشور مقصد است.

۳- جهانگردی اجتماعی: افرادی را به سفر تشویق می‌کند که برای آنها تماس و ارتباط با مردم مهمترین جنبه جهانگردی است. این تماس و ارتباط می‌تواند میان افراد گروه اتفاق افتد و یا علاقه اصلی به تماس با مردم بومی مقصد باشد. همچنین دیدارهای خانوادگی نیز در این مقوله می‌گنجد.

۴- جهانگردی فعال: جهانگردانی را جذب می‌کند که در پی انجام فعالیتی از پیش تعیین شده باشند. این فعالیت می‌تواند آموختن زبان یا کشف جغرافیای - سرزمین مشخصی باشد.

۵- جهانگردی تفریحی: ویژه جهانگردانی است که سبب اصلی سفر آنان در لذت حاصل از شرکت در فعالیتهایی نظیر چادر زدن در مناطق مختلف و بازی‌های سازمان داده شده نهفته است. این نوع از جهانگردی، شخص را تشویق به فعالیت در زمان استفاده از تعطیلات می‌کند.

۶- جهانگردی ورزشی: جهانگردان جدی علاقه‌مند به مشارکت در ورزشی را جذب می‌کند. ورزش‌ها و مسابقات دوچرخه‌سواری، تنیس و اسکی از جمله این جاذبه‌ها هستند.

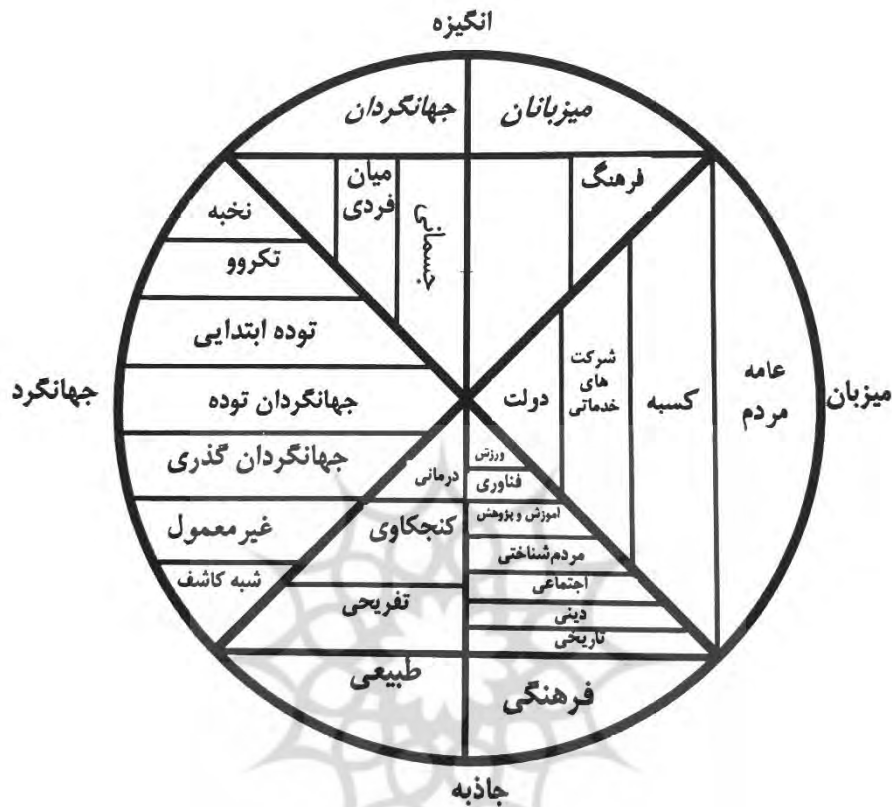
۷- جهانگردی دینی: ویژه کسانی است که برای مقصد، ارزشی دینی و معنوی قائلند.

سفر حج از مثال‌های بارز این نوع جهانگردی است.

۸- جهانگردی تخصصی: کاملاً منحصر به فرد است. گروه کوچکی با هم برای هدفی که فقط ویژه آنان است، سفر می‌کنند. سفرهای اکتشافی و آموزشی دانش‌آموزان مدارس از نمونه‌های این نوع جهانگردی است.

۹- جهانگردی قومی: ویژه جهانگردانی است که به وطن نیاکان خویش برای شناخت بهتر گذشته خود مسافرت می‌کنند.

۱۰- جهانگردی حفظ سلامت: کسانی را جذب می‌کند که برای تغییر شرایط جسمی خود سفر می‌کنند. اردوهای کاهش وزن و چشمه‌های آب گرم در این دسته جای می‌گیرند. همان‌گونه که در شکل می‌بینیم، مجموعه چهار عنصر جهانگرد، میزبان، انگیزه و جاذبه، عالم جهانگردی را شکل می‌دهند. قطاع سمت چپ مجموعه جهانگردانی را نشان می‌دهد که بر اساس میزان تماس و ارتباط با جامعه میزبان، به هفت دسته تقسیم شده‌اند. مساحت هر قطعه بر اساس تعاریف یادشده می‌تواند بیانگر نسبت تقریبی جهانگردان آن دسته در کل صنعت جهانگردی دنیا باشد. قطاع دیگری که در سمت راست قرار دارد، طبقات مختلف جامعه میزبان را نشان می‌دهد. در این قطاع نیز مساحت قطعات مختلف، بیانگر نسبت تقریبی طبقات مختلف میزبانان است. همچنین میزان دسترسی جهانگردان به این طبقات با ترتیب قرار گرفتن قسمت‌های این قطاع مشخص شده است. در قطاع بالای دایره که مربوط به انگیزه‌ها است، با دو دسته کلی انگیزه‌های میزبانان از جمله دولت‌ها و انگیزه‌های جهانگردان روبرو هستیم که هر کدام به شاخه‌هایی تقسیم شده‌اند. همچنین در قطاع پایین دایره، جاذبه‌های جهانگردی به نمایش درآمده است. این جاذبه‌ها، همان‌گونه که گفتیم، به دو دسته کلی جاذبه‌های طبیعی و جاذبه‌های فرهنگی تقسیم می‌شوند که زیرشاخه‌های هر یک نیز در نمودار به نمایش درآمده است (همایون، ۱۳۸۴، صص. ۱۰۳-۱۰۵).



شکل ۱. الگو و عناصر جهانگردی به عنوان یک ارتباط میان فرهنگی (همایون، ۱۳۸۴، ص ۱۰۵)

۳-۲-۶. گردشگری و ارتباط با غیر مسلمان و دعوت اسلامی

بیان شد که گردشگری و جهانگردی یک ارتباط میان فرهنگی است، پس مسئله‌ای که مطرح می‌شود کیفیت ارتباط مسلمانان با غیر مسلمانان است. در این خصوص پرسش این است که آیا اصل نخستین در این رابطه جنگ و جهاد با کفار است، به این معنی که وظیفه اولی مسلمانان در برخورد با کفار جهاد با آنان باشد، یا برخورد مسلمانان با غیر مسلمانان در حالت طبیعی مبتنی بر صلح و همزیستی با آنان است و جنگ حالتی عارضی است که در موارد خاصی بروز می‌کند. در میان آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) مواردی به چشم می‌خورد که نظر نخست را تأیید می‌کند و همچنین در کنار آن مواردی نیز دال بر صحت نظر دوم وجود دارد. با توجه به همین نکته هر کدام از

دو نظر نیز طرفدارانی را به خود اختصاص داده است. در آنچه در پی می‌آید تلاش می‌شود تا ادله اثبات‌کننده هر دو گروه تبیین و مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان در این خصوص به تصمیم روشنی دست یافت.

طرفداران دیدگاه اصالت جنگ و جهاد با کفار، به آیاتی استناد نموده‌اند که در ظاهر دلالت آن دارد که اصل نخستین در برخورد با کافران بر مبارزه و پیکار استوار است و جز در موارد ضرورت و استثنائی، همزیستی مسالمت‌آمیز و برقراری ارتباط و رفت و آمد توجیهی ندارد، از جمله:

• «یا ایها الذین امنوا قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیجدوا فیکم غلظة و اعلموا ان الله مع المتقین»؛ ای آنان که ایمان آوردید پیکار کنید آنان را که نزدیکند به شما از کافران و باید بیابند در شما درشت‌خویی و بدانید که خدا با پرهیزکاران است (توبه / آیه ۱۲۳).

• «یا ایها النبی جاهد الکفار و المنافقین و اغلظ علیهم و مأویهم جهنم و بس المصیر»؛ ای پیامبر جهاد کن با کافران و منافقان و درشتی کن بر ایشان و جایگاه ایشان است دوزخ و چه زشت است آن جایگاه (تحریم / آیه ۹).

• «... فقاتلوا ائمة الکفر انهم لا ایمان لهم لعلهم ینتهون»؛ ... پس بکشید پیشوایان کفر را که نیست سوگندهایی برای ایشان شاید دست بردارند (توبه / آیه ۱۲).

• «فلا تهنوا و تدعوا الی السلم و اتمم الاعلون و الله معکم و لن یترکم اعمالکم»؛ پس سست نشوید که خوانید به سوی آشتی و شما باید سرافرازان و خدا با شما است و هرگز نکاهد از شما کارهای شما را (محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) / آیه ۳۵).

بسیاری از فقها با استناد به این آیات و دیگر آیات مربوط به تشریح جهاد، وجوب جهاد ابتدایی را در اسلام استفاده نموده‌اند. این نوع جهاد در کنار جهاد دفاعی قرار می‌گیرد که برای رویارویی با متجاوزان به جان و مال و مقدسات اسلامی تشریح شده است و بدون تردید بر همه مسلمانان واجب است. همچنین برخی نویسندگان با استناد به همین آیات و با اشاره به وجود جهاد ابتدایی در اسلام چنین نتیجه گرفته‌اند که اسلام دین جنگ و جهاد است و به ضرب شمشیر پیش رفته و مسلمانان در حقیقت همواره بایستی با غیر مسلمانان در حال نبرد باشند

در مقابل طرفداران دیدگاه اصالت جنگ و جهاد، باورمندان به اصالت صلح و

همزیستی و استثنایی و عارضی بودن حالت جنگ نیز به آیات دیگری استناد نموده‌اند که در قالب چند گروه جای می‌گیرد.

نخستین دسته این آیات مربوط است به آیات دعوت به صلح. ظاهر این آیات نشان می‌دهد که برای مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز با جهان کفر ممنوع نشده است. اگر کافران سر دشمنی و آزار مسلمانان را نداشته باشند و به فتنه‌گری در میان مسلمانان نپردازند، مسلمانان می‌توانند با آنان زندگی آرامی داشته باشند و غیر مسلمانان نیز با لحاظ مسائلی می‌توانند به عنوان اهل ذمه در جامعه اسلامی زندگی کنند یا به کشورهای اسلامی رفت و آمد داشته باشند. مهمترین آیات مورد استناد در این خصوص عبارت است از:

• «یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافهً و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین»؛ ای گروه مؤمنان اندر آید به صلح همگی و پیروی نکنید گام‌های شیطان را که او است برای شما دشمنی آشکار (بقره / آیه ۲۰۸).

• «وان جنحواللسلم فاجنح لها و توکل علی الله انه هو السميع العليم»؛ و اگر گراییدند به صلح پس بدان گرایید و توکل کن بر خدای که او است شنونده دانا (انفال / آیه ۶۱).

• «... فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم و القوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلاً»؛ پس اگر کناره‌گیری کردند از شما و نبرد نکردند با شما و دست صلح به سوری شما دراز کردند همانا قرار نداده است خدا برای شما بر ایشان راهی (نساء / آیه ۹۰).

گروه دوم آیات مورد استناد، آیاتی است که اجبار و اکراه در پذیرش دین را نفی می‌کند. بر اساس رهنمود این آیات، رسالت پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) این نبوده است که مردم را با اجبار و اکراه به دین دعوت نماید. اساساً پذیرش دین امری قلبی است و اکراه در آن نمی‌تواند راه داشته باشد. در این زمینه به دو آیه زیر استناد شده است:

• «لا اکراه فی الدین قد تبین الرشد من الغی...»؛ نیست به ناخواه واداشتنی در دین همانا آشکار شد رهبری از گمراهی (بقره / آیه ۲۵۶).

• «ولو شاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعاً افانت تکره الناس حتی تکونوا مؤمنین»؛ و اگر می‌خواست پروردگار تو هر آینه ایمان می‌آوردند آنان که در زمینند همگی با هم پس آیا تو و اوست می‌داری به ناخواه مردم را که باشند از مؤمنان (یونس (علیه‌السلام) / آیه ۹۹).

سومین گروه از آیات مربوط است به سفارش به نیکی و پرهیز دادن مسلمانان از ستم به غیر متجاوزان. کافران از جهت نوع برخوردشان با مسلمانان به دو دسته قابل تقسیمند: شماری از سر دشمنی، تجاوز و فسادانگیزی را نسبت به مسلمانان پیشه خود ساخته‌اند و گروهی دیگر کسانی هستند که قصد تجاوز و آزار مسلمانان را ندارند و در پی زندگی عادی خویش در محدوده خودشان هستند. اسلام میان این دو گروه در برخورد تفاوت قائل است. بر اساس آیات قرآن، اگر کافران در پی آشوب و فتنه و جنگ نباشند، مسلمانان نه تنها نباید سر جنگ با آنان داشته باشند که واجب است با آنان از در نیکی در آیند. برخی آیات قرآن کریم ناظر بر نحوه رفتار با این گروه دوم است:

- «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین و لم یخرجوکم من ديار کم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»؛ باز ندارد شما را خدا از آنان که جنگ با شما نکردند در دین و برون نراندند شما را از خانه‌های خویش که نیکی کنید با آنان و از در دادگری با آنان در آید همانا خدا دوست دارد دادگران را (ممتحنه / آیه ۸).
- «ولا تجادلوا اهل الکتاب الا بالتی هی احسن الا الذین ظلموا منهم...»؛ و نستیزید با اهل کتاب مگر بدانچه آن است بهتر مگر آنان که ستم کردند از ایشان (عنکبوت / آیه ۴۶). در چهارمین دسته از آیات مورد استناد طرفداران دیدگاه اصالت صلح، به مسلمانان سفارش می‌شود که در برخورد با کافران، اگر شاهد رفتار خشونت‌بار و همراه با بی‌مهری از سوی آنان بودند، رفتاری مشابه آن از خود نشان ندهند، بلکه در برقراری ارتباط با آنان دارای بردباری و گذشت باشند. دو آیه زیر به این موضوع اشاره دارد:
- «ود کثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفارا حسدامن عند انفسهم من بعد ما تبین لهم الحق فاعفوا و اصفحوا حتی یاتی الله بامرہ ان الله علی کل شیء قدير»؛ دوست داشتند بسیاری از اهل کتاب که برگردانند شما را پس از ایمان شما کافران بر شکی از نزد خود از پس آنکه آشکار شد برای ایشان حق پس درگذرید و گذشت کنید تا بیارد خدا امر خویش را همانا خدا بر همه چیز است توانا (بقره / آیه ۱۰۹).
- «... فاصفح الصفح الجمیل»؛ ... پس بگذر گذشتی نکو (حجر / آیه ۸۵).

جمع میان آیات

علی‌رغم نکات فراوانی که در خصوص مجموعه استدلال‌های گروه دوم نیز قابل عرضه

است و البته تا حد زیادی نیز می‌تواند تعارض ظاهری موجود در میان این دو گروه آیات را رفع نماید، اما به هر حال به نظر می‌رسد برای رفع اساسی تعارض یادشده ناچار از تلاش برای یافتن عاملی باشیم که فراتر از دو عامل جنگ و صلح به عنوان اصل نخستین حاکم بر روابط میان مسلمانان و غیر مسلمانان، موارد جنگ و صلح یا راه‌های دیگر ارتباط میان این دو گروه را تعیین نماید.

در یک نگاه کلی می‌توان چنین برداشت نمود که هدف اصلی از بعثت انبیاء الهی رفع اختلاف میان انسان‌ها از طریق دعوت آنان به سوی خداپرستی و نفی شرک و بت‌پرستی بوده است. این دعوت با توجه به شرایط گوناگون مصادیق مختلفی پیدا می‌کند که یکی از آنان جنگ و جهاد در راه خدا است. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که اصل نخستین حاکم بر رابطه میان مسلمانان با غیر مسلمانان دعوت آنان به توحید و خداپرستی است و هر گونه ارتباط میان این دو گروه بایستی دائر مدار این اصل قرار گیرد.

۳-۲-۷. انواع گردشگری و جهانگردی از لحاظ حکم شرعی

بر اساس احکام اسلامی می‌توان گردشگری به گردشگری حلال، مکروه و حرام تقسیم کرد.

الف. گردشگری حلال

نوعی از گردشگری مذهبی است که تمام فعالیت‌های آن از نظر قوانین اسلامی مجاز شمرده می‌شود. بنابر بررسی‌های سازمان جهانی گردشگری، گردشگری حلال به صورت نوع خاصی از گردشگری مذهبی، منافع کشف نشده بسیار و شانس‌های تجاری زیادی را به کشورهای مسلمان و به ویژه آسیای میانه به لحاظ محصولات متعدد فرهنگی - مذهبی ارائه می‌کند. البته همان‌طور که ذکر شد، مشروع و مجاز بودن گردشگری در صورتی است که اسلام و نظام اسلامی و جامعه مسلمان، از ترک آن زیان و ضرر نبینند و گرنه این مسئله رنگ و جوب و لزوم کفایی به خود می‌گیرد (شفقی و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۴).

ب. گردشگری مکروه

هر گونه گردشگری و سیاحتی که انسان نتواند در آن اعمال عبادی و وظایف دینی خود را آسوده خاطر انجام دهد، بلکه در انجام آنها دچار مشکل شود را باید مکروه دانست، گرچه سیاحت در خشکی و به هدفی غیر از تجارت باشد. بنابراین سفری که برای فرار

از اجرای تکلیف الهی صورت پذیرد و انگیزه آن مخالفت با حکم شرع باشد؛ مانند مسافرت برای روزه نگرفتن در ماه مبارک رمضان را باید از نوع سفرهای مکروه به شمار آورد. برای مثال روایت زیر به کراهت بعضی از گردشگری‌ها می‌توان اشاره کرد:

در روایتی صحیح از محمد بن مسلم می‌خوانیم:

«عن ابی جعفر و ابی عبدالله (علیه‌السلام)، انهما کرها رکوب البحر للتجارة»

(حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۲، ص. ۱۷۷).

امام باقر و امام صادق (علیه‌السلام) از دریانوردی، به منظور تجارت کراهت داشتند.

در صحیحی دیگر از او آمده است:

«عن ابی جعفر (علیه‌السلام)، انه قال فی رکوب البحر للتجارة یعز (یعزر) الرجل

بدینه» (حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۲، ص. ۱۷۷).

انسان در سفر دریانوردی به منظور تجارت به دین خود زیان می‌رساند.

در روایت دیگری از معلی بن خنیس می‌خوانیم:

«قال: سألت ابا عبدالله (علیه‌السلام)، عن الرجل یسافر فیركب البحر؟ فقال: ان ابی کان

یقول: انه یضر بدینک...» (حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۲، ص. ۱۷۷).

از امام صادق (علیه‌السلام) در مورد شخصی پرسیدم که به سفر دریایی می‌رود.

حضرت فرمود: پدرم می‌فرمود این کار به دینت زیان می‌رساند.

در سند روایت اخیر معلی بن عثمان است که به احتمال نزدیک به یقین، صحیح آن

معلی بن عثمان باشد، که شخصی ثقة است و در این صورت این روایت نیز صحیحی

خواهد بود.

به هر حال، چنانچه دو روایت اخیر صراحت دارد، وجه کراهت این قسم دریانوردی،

زیانی است که از این رهگذر متوجه جنبه دینی و انجام تکالیف عبادی شخص

می‌شود، مثل اینکه به سبب تشخیص ندادن قبله یا طوفانی شدن دریا، در نمازش،

خللی پیدا شود. چنانچه اگر زمانی به علت پیشرفت تجهیزات و تسهیلات دریانوردی،

امکان انجام اعمال عبادی در دریا به راحتی و بدون دغدغه فراهم شد، به گونه‌ای که در

این جهت تفاوتی میان خشکی و دریا نبود. وجهی برای باقی ماندن کراهت یاد شده،

دیده نمی‌شود.

همان‌گونه که با توجه به معیار یاد شده در این دو روایت، هرگونه جهانگردی و سیاحتی که انسان نتواند در آن اعمال عبادی و وظایف دینی خود را آسوده خاطر انجام دهد، بلکه در انجام آنها دچار مشکل شود، را مکروه دانست، گرچه سیاحت در خشکی و به هدفی غیر از تجارت باشد.

چنانچه موثقه زیر از حسین بن ابی العلاء نیز به خوبی به این تعمیم، اشاره دارد:

«عن ابی عبدالله (علیه السلام) ان رجلاً أتى ابا جعفر (علیه السلام)، فقال: أصلحك الله انّا نتجر الى هذه الجبال فنأتى منها على أمكنة لا تقدر ان تصلّى الاعلى الثلج؟ فقال: أفلا ترضى ان تكون مثل فلان؟ يرضى بالدون، ثم قال: لا تطلب التجارة في ارض لا تستطيع ان تصلّى الاعلى الثلج»؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: مردی به خدمت امام باقر (علیه السلام) رسید و عرضه داشت: خداوند تو را اصلاح کند! [دعایی که در آن زمان مرسوم بوده است] ما به سوی این کوه‌ها، به قصد تجارت می‌رویم. آنجا به مکان‌هایی وارد می‌شویم که در آنها، نماز گزاردن جز بر روی برف امکان‌پذیر نیست. حضرت فرمود: آیا راضی نمی‌شوی مثل فلان شخص باشی؟ آن شخص به کار کم‌ارزش، راضی می‌شود. سپس فرمود: خواهان تجارت در زمینی که در آن نمی‌توانی جز بر روی برف نماز بخوانی، مباش (حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۲، ص. ۱۷۹).

در این روایت، مورد پرسش راوی، سفر تجاری به برخی مناطق معین است، ولی سخن حضرت در پایان روایت فراگیر است.

ج. گردشگری حرام

سفر برای گناه و مخالفت با دستورهای شرع مقدس اسلام (سفر معصیت) از نوع گردشگری حرام به شمار می‌آید. هر سفری که هدف از آن، خوش‌گذرانی نامشروع (لذّه فی محرم)، شرابخواری، قماربازی و می‌گساری باشد، یا هر سفری که با ظلم و تجاوز بر مسلمانان همراه باشد و یا سفری که به ایمان و دین فرد ضربه می‌زند و او را از ادای تکالیف دینی باز می‌دارد، سفر معصیت و حرام می‌باشد. حضرت علی (علیه السلام) در این باره می‌فرماید:

«لا یخرج الرجال فی سفر یخاف منه علی دینه و صلاته».

از سوی دیگر اسلام معاشرت و ارتباط دوستانه با آن دسته از کافران که خوی سرکشی و منشی استکباری را بر کفر خود افزوده‌اند، روا نمی‌داند و از مسلمانان می‌خواهد که هیچ‌گونه پیوندی با آنان نداشته باشند.

در پایان، خلاصه‌ای از نکات به دست آمده در باب روابط بین ملت‌ها که از توجه در آنها نظر شرع در مورد گردشگری و جهانگردی روشن می‌شود، آورده شده است:

نکته اول، از نصوص رسیده در باب‌های معاملات و تجارتات، این اصل مهم استفاده می‌شود که بنای شارع در این امور، عدم تأسیس، بلکه تأیید شیوه‌ها و راهکارهای عقل است. شیوه‌ها و راهکارهای عقل که سودآور، اشتغال‌زا و سبب تقویت توان مالی و شکوفایی اقتصادی جامعه شود و مادامی که سبب فساد و تباهی جامعه نگردد، مورد تأیید و بلکه مورد تشویق شریعت است.

بخش‌هایی از روایت معروف تحف العقول از امام صادق (علیه‌السلام)، به خوبی تأییدکننده این مهم است. در موضعی از این روایت آمده است:

«... اما تفسیر الصناعات فكلما يتعلم العباد او يعلمون غیرهم من اصناف الصناعات مثل الكتابة والحساب والتجارة والصياغة والسراجة والبناء والحياكة... التي يحتاج اليها العباد منها منافعهم و بها قوامهم و فيها بلغة جميع حوائجهم، فحلال فعله و تعليمه والعمل به...»؛ اما تفسیر و توضیح صنعت‌ها، پس هر نوع صنعتی که بندگان فرا می‌گیرند، یا به دیگران آموزش می‌دهند، مانند نوشتن، حساب، تجارت، زرگری، زمین‌سازی، بنایی و بافندگی... یعنی اموری که بندگان بدان احتیاج دارند و منافعتشان از آنها برآورده می‌شود و قوام و استواری ایشان، وابسته به آنهاست و به کمک آنها به همه حاجت‌های خود می‌رسند، انجام و آموزش چنین اموری، حلال است (حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۷، ص. ۱۲۷).

بخشی دیگر از این روایت، گرچه ناظر به اموری مانند خرید و فروش است، ولی از آن همین اصل کل، قابل برداشت است:

«... كل شيء يكون لهم فيه الصلاح من جهة من الجهات فهذا كله حلال بيعة و شراؤه و امساكه و استعماله و هبته و عاريتة...»؛ هر چیزی که در آن صلاح مردم باشد، خرید و فروش و نگهداری و به کارگیری و بخشش و عاریه دادن آن، حلال است

(حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۷، ص. ۱۲۸).

ممکن است گفته شود جواز تمسک به سیره و بنای عقلا به منظور تبیین یک امر شرعی، مشروط به احراز اتصال سیره و بنای ایشان، به زمان معصومان (علیهم السلام) در آن مورد است. به دیگر سخن باید موردی که برای ثابت کردن حکم آن به سیره عقلا، تمسک می‌کنیم از پدیده‌های نو و بریده از زمان صدور نصوص نباشد، بلکه رسیدن سابقه آن به زمان یاد شده، قطعی باشد تا بتوان سکوت شارع را درباره آن، دلیل بر امضای آن دانست.

در دفع این اشکال باید خاطر نشان کرد ما برای روشنگری مشروع بودن صنعت گردشگری و جهانگردی به بنا و سیره عقلا، به عنوان دلیل تمسک نکردیم، بلکه همه عنایت ما در این باب به کشف مذاق و بنای شارع در باب معاملات و شرح این اصل اساسی است که بنای شارع در امور غیرعبادی بر عدم جعل و وضع جدید در مقابل عقل است.

امام خمینی (ره) در بیان این اصل، می‌نویسد:

«... فلما شبهة فی انه لیس للشارع فی باب المعاملات اصطلاح خاص و وضع مخصوص مقابل العقلاء فما هو المسمی لدى العقلاء هو المسمی لدى الشارع وان تصرف فی بعضها او کلها بزیادة قید او شرط علی المسمی، فعلیه لاینبغی الریب فی جواز التمسک بالعموم والاطلاقات لرفع الشک فی اعتبار شیء زائد علی المسمی سواء كانت الالفاظ لدى العقلاء موضوعة للصحیح عندهم او الاعم؛ شبهه‌ای نیست در اینکه شارع در باب معاملات اصطلاح و وضع ویژه‌ای در برابر عقلا، ندارد؛ از این روی هر آنچه که نزد عقلا، مسمّا و مفاد الفاظ است، در نزد شارع نیز، مسمّا، همان است، گرچه ممکن است شارع با زیاد کردن قید یا شرطی بر مسمّا در برخی معاملات یا همه آنها تصرف کند. نتیجه این سخن اینکه سزاوار نیست در جواز تمسک کردن به عموم و اطلاقات به منظور رفع شک در معتبر بودن چیزی افزون بر مسمّا، شک شود، بدون فرق میان این که الفاظ در نزد عقلا، برای صحیح وضع شده باشند یا برای اعم از صحیح و فاسد.

آیت‌الله خویی، نیز در آغاز مباحث کتاب بیع خود، ضمن اشاره به آنچه گفتیم، اساس بنای عقلا را در باب معاملات، حفظ نظام می‌داند و می‌نویسد:

«تردیدی نیست در اینکه انسان، مدنی الطبع است و در برآوردن نیازمندی‌های خود، بی‌نیاز و مستقل از دیگران نیست و بدین ترتیب حفظ نظام نوع انسان و پاسداری از کیان او، وابسته به اجتماع و تشریح مبادله میان اموال است، زیرا روشن است اگر این مبادله از سوی انسان تشریح نمی‌شد هر کس در بر آوردن حاجت‌های خود به سرکشی و منازعه و زور، متوسل می‌شد، چنانچه در حیوانات شاهد این وضعیت هستیم. نتیجه سخن این که در حفظ نظام، گریزی از تشریح معاملات نیست» (توحیدی، ۱۳۹۷ق، ج ۲، ص. ۳).

می‌توان براساس همین قاعده و اصل پر فایده گفت، اگر در عصر ما، معامله‌ای جدید مانند صنعت بیمه، برخی از داد و ستدهای بانکی یا نوعی خاص از بیع در میان عقلا، مرسوم شد، باید چنین معامله‌ای را مشروع دانست، البته مشروط به اینکه با شروط و ترازهایی که شرع در باب دادوستدها در نظر گرفته، ناسازگار نباشد. موضوع مورد بحث، یعنی صنعت گردشگری و جهانگردی نیز، از این قاعده جدا نیست.

نکته دوم، هنگام ورود جهانگردان به کشور اسلامی، با آنها قرارداد یا قراردادهایی، بسته می‌شود و آنان همراه با روادید و گذرنامه، وارد دارالاسلام می‌شوند، بی‌تردید التزام و عمل کردن به این قراردادها بر دولت اسلامی و شهروندان مسلمان، واجب است.

در اثبات این حکم می‌توان به عموم دلایل‌هایی مانند (اوفوا بالعقود) (مائده / آیه ۱) و (المؤمنون عند شروطهم) (حرعاملی، ۱۱۰۴ق، ج ۱۵، ص. ۳۰) تمسک جست.

مردود بودن این توهم که عموم‌های یاد شده، تنها ناظر به عقدها و پیمان‌هایی است که در زمان صدور نصوص، رواج داشته و نمی‌توان آنها را شامل پیمان‌های و قراردادی که در زمینه گردشگری و جهانگردی بسته می‌شود دانست، با شرحی که در نکته نخست دادیم، روشن می‌شود.

علاوه بر آن بیان، می‌توان وجهی را که دولت اسلامی از گردشگران و جهانگردان دریافت می‌دارد، نوعی مالیات دانست که حکومت اسلامی از آنان به عنوان حق عبور و مرور و در برابر فراهم کردن امنیت و ایجاد تسهیلات برای آنان می‌ستاند و این کار را از

جمله اختیارات حاکم اسلامی دانست.

چنانچه صاحب جواهر در کتاب جهاد مانند این را درباره قرارداد ذمه، می‌نویسد:

«الامام (علیه‌السلام)، یذمّ لاهل الحرب عموماً و خصوصاً، علی حسب ما یراه من المصلحة بلاخلاف اجده فیه کما اعترف به فی المنتهی، لان ولایته عامه والامر موکول الیه فی ذلک، ونحوه وكذا من نصبه الامام (علیه‌السلام) للنظر فی جهة یذم لاهلها عموماً وخصوصاً علی حسب ما یراه من المصلحة ایضاً لانه فرع من له ذلک؛ امام (علیه‌السلام)، می‌تواند با صلاح‌دید خود با کافران حربی، به صورت عمومی یا خصوصی، قرارداد ذمه ببندد. من در این زمینه مخالفی نیافتم، چنانچه علامه نیز در منتهی، به این نکته اعتراف کرده است، زیرا ولایت امام، عام و گسترده است و تصمیم‌گیری در این کار و مانند آن به او واگذار شده است. شخصی که از سوی امام در زمینه بستن قرارداد ذمه با اهل آن (به صورت عمومی یا خصوصی و بر اساس آنچه صلاح می‌داند) گمارده شده است نیز دارای چنین اختیاری است، زیرا این شخص، فرع و وابسته به کسی [یعنی امام] است که این اختیار را دارد (نجفی، ۱۲۶۰ق، ج ۲۱، ص. ۹۷).

نکته سوم، بر اساس نصوصی، مانند: آیه «ولله العزه ولرسوله وللمؤمنین» (منافقون / آیه ۸) و حدیث نبوی «الاسلام یعلو ولا یعلی علیه»^{۱۱} (متقی هندی، ۹۷۵ق، ج ۱، ص. ۲۴۶). باید مسلمانان در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و... برتر، پیشرفته‌تر، و نیرومندتر از غیر مسلمانان باشند، به گونه‌ای که اقتدار و استقلال آنان در همه زمینه‌ها فراهم آید.

با استناد به این نصوص لازم است کشور اسلامی، در هر عصر و مقطع تاریخی، در همه علوم و صنایع و در تمامی ابعاد معنوی و مادی زندگی، سرآمد دیگر کشورها و برتر از آنها باشد؛ زیرا این دلیل‌ها، به زمان و بعد خاصی، مقید نشده‌اند. از سوی دیگر، همان‌گونه که در آغاز پژوهش گذشت، امروزه صنعت جهانگردی، نقش بسیار مهمی در صحنه اقتصادی کشورها، ایفا می‌کند و این صنعت اشتغال‌زا و ارزآور، موجبات شکوفایی اقتصادی بسیاری از ممالک جهان را فراهم آورده، از این‌رو لازم است کشورهای اسلامی در این صنعت، برتر از دیگر ممالک و دست کم در ردیف آنها باشند.

نکته چهارم، ممکن است در نگاه ابتدایی به دلیل‌های در پیوند با جزیه، تصور شود، مشروعیت صنعت جهانگردی را می‌توان از راه دلیل‌های جواز دریافت جزیه از کافران نیز اثبات کرد. ولی بدون تردید باید جزیه و کسب درآمد از راه صنعت گردشگری و جهانگردی را دو مقوله به طور کامل جدا از یکدیگر دانست، زیرا نخست آنکه کسب درآمد از راه صنعت گردشگری و جهانگردی، اختصاص به کافران ندارد، بلکه یک کشور اسلامی، از راه جلب گردشگر مسلمان از دیگر مناطق و کشورهای اسلامی نیز می‌تواند کسب درآمد کند. دوم اینکه دلیل‌های جزیه و نیز کلمات و عبارات‌های فقها در این باب انصراف به کافرانی دارد که در کشور اسلامی سکنی گزیده‌اند و همیشه در آن زندگی می‌کنند و حال آنکه مورد بحث، کسانی هستند که به عنوان مسافر و گردشگر به کشور اسلامی می‌آیند. پس، جزیه، تنها درباره اقلیت‌های دینی است که در کشور اسلامی زندگی می‌کنند. سومین دلیل هم این است که آنچه در میان فقها، مشهور است، جزیه تنها از اهل کتاب و صابئین، پذیرفته می‌شود و حال آنکه مورد بحث در صنعت یاد شده، همه کافران، بلکه چنانچه گفتیم مسلمانان نیز، هستند.

نتیجه‌گیری

۱- گردشگری یک فرصت منحصر به فرد اقتصادی می‌باشد که در سال‌های اخیر منبع درآمد سرشار در تجارت جهانی و عنصر مهمی در بهبود و تنظیم موازنه بازرگانی بسیاری از کشورها شده است. رشد قابل توجه و چشمگیر گردشگری در پنجاه سال گذشته، نشان‌دهنده اهمیت فراوان اقتصادی و اجتماعی این پدیده است. مطابق برآورد سازمان جهانی گردشگری، کل گردشگران دنیا در سال ۱۹۵۰، تقریباً ۲۵ میلیون نفر و در سال ۲۰۰۰، حدود ۷۰۰ میلیون نفر بوده است که این رقم در سال ۲۰۲۰ به حدود یک میلیارد و ششصد میلیون نفر خواهد رسید. به علاوه درآمدهای حاصل از گردشگری در سال ۱۹۸۰ بالغ بر ۱۰۵ میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۲۰۰۰ به ۴۷۶ میلیارد دلار رسیده است و در سال ۲۰۲۰ میلادی ۱۵۹۰ میلیارد دلار، خواهد رسید (هزارجریبی، ۱۳۸۹، ص. ۵۴).

۲- آیات مربوط به گردشگری در قرآن کریم، همگی نه تنها به مطلوبیت گردشگری اشاره دارد، بلکه بر گردشگری نیز امر می‌کند و تأیید و تأکید دارد. از روایات وارده

امامان معصوم (علیهم‌السلام) نیز در تأیید و تأکید گردشگری بسیار است و در آن ائمه (علیهم‌السلام) به بیان جزئیات و احکام این موضوع نیز پرداخته‌اند. بنابراین گردشگری جزء اعمال مباح به شمار می‌رود که در شرایطی واجب و در شرایطی حرام می‌شود.

۳- از جمع‌بندی آیات و روایات و آموزه‌های دین اسلام در مورد گردشگری به این نتیجه می‌رسیم که شارع این موضوع را مطلوب می‌داند و لذا برای آن بایدها و نبایدهایی مشخص کرده است. این بایدها و نبایدهای احکام شرعی جوانب مختلف گردشگری است، فقها از آیات و روایات و بر اساس روش اجتهادی اتخاذ می‌کنند و از کنار هم قرار گرفتن آنها چارچوب گردشگری مبتنی بر فقه شیعه بدست می‌آید.

۴- امروزه در گردشگری، جنبه اقتصادی آن بیش از جنبه‌های دیگر اهمیت پیدا کرده است که این مسئله ناشی از تمدن غرب است. ما مبتنی بر دین مبین اسلام و برگرفته از آنچه در تمدن اسلامی بوده است، می‌توانیم الگویی متفاوت ارائه کنیم، زیرا الگویی که بر اساس فرامین اسلام باشد، متفاوت از دیگر الگوها خواهد بود.

۵- البته اهمیت و نقش اقتصادی گردشگری نباید باعث غفلت از سایر ابعاد آن، به ویژه بعد فرهنگی شود. بر اساس است که در لزوم توجه جمهوری اسلامی ایران به موضوع توسعه گردشگری و جهانگردی هیچ شکی وجود ندارد. این موضوع هم با ملاک قرار دادن توصیه‌ها و اوامر دینی قابل اثبات است و هم با در نظر گرفتن نقش جهانگردی در طول تاریخ تمدن‌های بشری. گرایش مردم جهان به یافتن آسان‌ترین و موثرترین راه برای گفتگوی فرهنگی سبب می‌شود تا ارتباط میان فرهنگی بین جوامع مختلف و با فرهنگ‌های گوناگون برقرار شود. با استفاده از این ارتباط میان فرهنگی است که می‌توان به تبلیغ دین و معرفی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت دینی پرداخت. بنابراین باید به پدیده‌ای به نام گردشگری، بیش از آنکه نگاه اقتصادی باید نگاه فرهنگی داشت. زیرا اسلام نگاهی این چنینی به این پدیده دارد و تاریخچه گردشگری در تمدن اسلامی و انگیزه‌های گردشگران گواه این مسئله است و ما باید بتوانیم به سمت طراحی الگویی متفاوت از الگویی غربی که اکنون در مورد گردشگری است، حرکت کنیم.

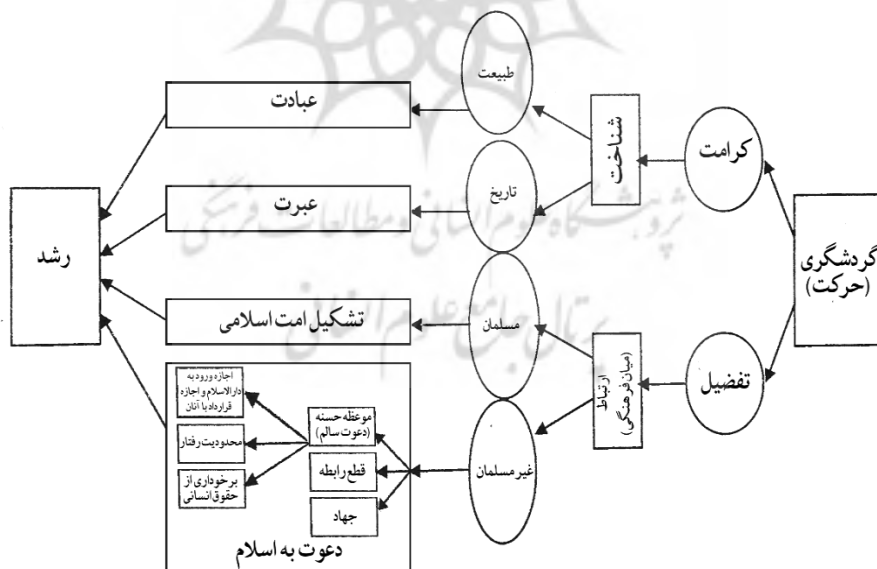
۶- گردشگری یک ارتباط میان فرهنگی است. این به معنی است که این پدیده ارتباطی

- بین فرهنگ جوامع مختلف است و به واسطه آن می‌توانند تأثیر و تأثر در یکدیگر بگذارند. بنابراین اگر نتوانیم در این موضوع - که در دنیای کنونی تبدیل به صنعت شده است - سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح انجام دهیم، در ورود گردشگر و جهانگرد به ایران در بلند مدت دچار اختلال و مشکل خواهیم شد.
- ۷- گردشگری که به جامعه میزبان وارد می‌شود، در عین دارا بودن حقوق در آن جامعه، تکالیف و به عبارتی دیگر محدودیت‌هایی در جامعه میزبان دارند. در جمهوری اسلامی ایران این تکالیف، مبتنی بر دین مبین اسلام و قوانین موضوعه ایران است.
- ۸- گزاره‌هایی که می‌توان برای چارچوب دادن به ورود گردشگر خارجی به جمهوری اسلامی ایران، بیان نمود:
- ورود و جذب گردشگر غیر مسلمان به دارالاسلام و کشور اسلامی منعی ندارد و طبق قوانین و قراردادی که با او تحت عنوان اجازه ورود و روادید منعقد می‌شود، می‌تواند وارد دارالاسلام شود.
 - وفای به عهد و قراردادی که با گردشگر غیرمسلمان برای ورود به کشور بسته شده، واجب است؛ مگر از سوی اون نقض شود
 - اسلام حقوق تمامی کسانی که را که در کشور اسلامی حضور دارند. اعم از هموطنان و کسانی که با مجوز دولت اسلامی به کشور وارد شده‌اند، را به رسمیت شناخته و رعایت آن حقوق را بر همگان لازم دانسته است.
 - گردشگر در عین اینکه مانند تمام کسانی که در کشور اسلامی حضور دارند، دارای حقوق است، نمی‌تواند علناً خلاف آموزه‌ها و هنجارهای دین اسلام در کشور میزبان رفتار کند، مثلاً شرب علنی خمر، تبلیغ دین خود و...
 - محدودیت‌های مهمی که باید گردشگران خارجی غیرمسلمان رعایت کنند در جدول زیر به صورت دسته‌بندی شده ملاحظه می‌نمایید:

توضیحات	ممنوع	جایز	موارد
-----	✓		اجازه ورود غیرمسلمان به دارالاسلام و کشور اسلامی
به هر نحوی ممنوع است.		✓	ورود گردشگر غیرمسلمان به

موارد	ممنوع	جایز	توضیحات
مسجد الحرام و حرم مکی			
ورود گردشگر غیرمسلمان به دیگر مساجد		✓	تصریح قرآنی ندارد. ۱۲
ورود گردشگر غیرمسلمان به اماکن مقدس دیگر		✓	تصریح قرآنی ندارد. ۱۳
اجبار گردشگر زن غیرمسلمان به پوشش اسلامی	✓		مانند آنچه که در دین رسمی الهی خودشان گفته شده است. اما طبق مصلحت جامعه اسلامی و قانون می‌توان اجبار کرد.

• همان‌طور که در مقدمه نیز ذکر شده تلاش و تمرکز پژوهش بر روی مواجهه با گردشگران خارجی و غیرمسلمان بوده و با استفاده از احکام و فتوای فقهی می‌توان الگوی زیر را ارائه کرد (همایون، ۱۳۸۴، ص. ۲۳۲).



۱. Samovar, Larry A
۲. Overnight Visitor
۳. Same-day Visitor
۴. Explorer -Type Tourists
۵. Elite Tourists
۶. Off-Beat Tourists
۷. Unusual Tourists
۸. Incipient Mass Tourists
۹. Mass Tourists
۱۰. Charter Tourists

۱۱. متن حدیث، همان‌گونه که در متن آمده، مشهور است، ولی در کتاب کنز العمال، کلمه (علیه) نیامده است.
۱۲. مشروط به اینکه نجاست متعدیه با خود نداشته باشد، توهین نکند، قصد اخلال و جاسوسی و... نداشته باشد (البته این شروط برای مسلمانان نیز وجود دارد).
۱۳. مشروط به اینکه نجاست متعدیه با خود نداشته باشد، توهین نکند، قصد اخلال و جاسوسی و... نداشته باشد (البته این شروط برای مسلمانان نیز وجود دارد).

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. بجنوردی، سیدحسن (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۴. بونی فیس، پریسلا (۱۳۸۰). مدیریت گردشگری فرهنگی. ترجمه محمود عبدالله زاده، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۵. تاج‌زاده نمین، ابوالفضل (۱۳۸۳). نگرشی بر جایگاه فرهنگ و ضوابط اخلاقی در گردشگری. فصلنامه مطالعات گردشگری، ۵، تابستان.
۶. حلّی، حسن بن یوسف (بی‌تا). تذکره الفقهاء (طبعه القادیمه). بی‌جا: بی‌نا.
۷. حلّی، نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه. قم: مؤسسه

المطبوعات الدینیة.

۸. خسروی، حسین (۱۳۸۴). بررسی توانمندی‌های گردشگری استان قم و اثرات آن در توسعه این استان. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، به راهنمایی محمدحسن ضیا توانا، دانشگاه شهید بهشتی.
۹. خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). *تحریرالوسیله*. قم: مؤسسه دارالعلم.
۱۰. خمینی، سیدروح‌الله (بی‌تا). *کتاب الطهاره (طبعة الحدیثه)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۱. خوبی، سیدابوالقاسم (بی‌تا). *التنقیح فی شرح العروه الوثقی*. بی‌جا: بی‌نا.
۱۲. داس ویل، راجر (۱۳۷۹). *مدیریت جهانگردی: مبانی، راهبردها و آثار*. ترجمه: سید محمد اعرابی، داوود ایزدی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۳. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۴. ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *نگاهی به جهانگردی در تمدن اسلامی*. مجله فقه، زمستان، ۱۴، ۲۸۷-۳۴۳.
۱۵. سازمان جهانی جهانگردی (۱۳۸۱). *برنامه‌ریزی ملی و منطقه‌ای جهانگردی*. ترجمه محمود عبدالله‌زاده، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۶. سازمان میراث فرهنگی (۱۳۸۱). *گردشگری و صنایع دستی*. واژه‌نامه توصیفی گردشگری، (منضم به برنامه ملی توسعه و مدیریت گردشگری).
۱۷. کاظمی، مهدی (۱۳۸۵). *مدیریت گردشگری*. تهران: سمت.
۱۸. کامیار، غلامرضا (۱۳۸۳). *حقوق و تکالیف جهانگردان غیر مسلمان در ایران*. مجله مجلس و راهبرد، ۴۴، پاییز.
۱۹. مجلسی، محمدباقر (بی‌تا). *بحارالأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمه الأطهار (علیهم‌السلام)*. جلد ۸۰، بی‌جا: بی‌نا.
۲۰. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۶۹). *ارتباط‌شناسی*. تهران: سروش.
۲۱. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۷۱). *وسایل ارتباط جمعی*. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۲. مؤتمنی طباطبائی، منوچهر (۱۳۷۰). *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۳. مؤمنی، مصطفی؛ صرافی، مظفر و تاسمی خرزانی، محمد (۱۳۸۷). *ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی - فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان شهر مشهد*. جغرافیا و توسعه.

۲۴. نجفی (صاحب جواهر)، محمدحسن بن باقر (بی تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۵. هزارجریبی، جعفر و نجفی، ملک محمد (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی و توسعه گردشگری. فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال دوم، ۷، زمستان.
۲۶. همایون، محمدهادی (۱۳۸۴). *جهانگردی ارتباط میان فرهنگی*. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه السلام).

27. Bittner, J. R. (1989). *Mass Communication. an Introduction, New Jersey*. Prentice Hall.
28. Chen, G. M. & Starosta, W. J. (2003). Intercultural Awareness, in Larry Samovar and Richard Porter (edits), *Intercultural Communication, A Reader*. 10th ed., USA: Thomson Wadsworth, 344-353.
29. Dewar, Keith (2000). Cultural Tourism, in *Encyclopedia of Tourism*, by Jafar Jafari (chief editor). *Routledge*, London & Newyork, 125.
30. Jafari, Jafar (chief editor) (2000). *Encyclopedia of tourism, routledge*. London, New York.
31. Samovar, Larry A. and Richard E. Porter. (1995). *Communication Between Cultures, USA*. Wadsworth.
32. Van Harsseel, Jan. (1994). *Tourism, an Exploration*. NJ, Prentice Hall.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی